یکشنبه ۲۹ جوزا ۱۳۶۲
June 19, 1983.
شماره ۲۴۰ سال سوم
شماره مسلسل ۵۵۳
سال تأسیس ۱۳۵۹



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

تاج الدین سرباز خارندوی:

تا محو کامل ضد انقلاب ترخیص نمیگیرم

تاج الدین سرباز قوماندانی خارندوی ولایت کندز که در علاقه داری علی آباد مصروف خدمت است و در عدهٔ زیادی از عملیات تهای محاربوی اشتراک نموده، طی مصاحبه یی گفت:

مدت دو سال میشود که داوطلبانه در قوماندانی خارندوی ولسوالی علی آباد به صفت سرباز در سنگر مبارزه قرار داشته و عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را نیز حاصل نموده ام و تا زمانیکه باندهای تروریست و آدمکش این اجیران اجنبی نابود نشده باشند ترخیص خویش را اخذ نمیدارم.

وی به سخنانش ادامه داده «در قریهٔ قوشقاق با یک باند سی نفری رو برو شدیم بار فقای همسنگر خویش ده نفر شان را ازپادر آوردیم وعدهٔ دیگر را دستگیر نموده ده میل سلاح مختلف النوع از آنها بدست آورده و آنرا تحویل قوماندانی خارندوی علاقه داری علی آباد نمودیم. همینطور در قریهٔ چیت گذر و قریه دشت کند هاری هم عدهٔ از اشرار را نابود کرده وعدهٔ راهم دستگیر نمودیم باید بگویم که در همه عملیاتها همکاری بین قطعات خارندوی، اردو و مردم زیاد بوده است به طور مثال در عملیاتی که در قریه میر شیخ اجرا نمودیم چند تن از اعضای گروه های مدافعین انقلاب با سربازان خارندوی بخاطر پاک کاری قریهٔ متذکره یکجا بودند درآن منطقه اهالی از محل اشرار بما راپور داده بودند، ماهم با استفاده از اراضی بالای آنها تعرض نمودیم، درین زده خورد یک تن ازقوماندانان یکی از گروپهای باند گلبدین ازپا در آمد و دو نفر دیگر از قوماندانان این باند رابادو میل سلاح نوع ماز کول امریکایی زنده دستگیر نمودیم.

وی همچنین توضیح داد: اطلاع حاصل نمودیم که در قریهٔ کند هاری دزدان برای ربودن اموال به آن قریه رفته اند. ما توانستیم تمام شان را محاصره کنیم، در وقت زدو خورد تعداد زیاد آنها از پادر آمد و هم سلاح و مهمات ویک عراده موترسایکل آنهارا که قبلا دزدی کرده بودند بدست آوردیم

وی در رابطه با رویه افسران با سربازان اضافه نمود

«صاحب منصبان با ما رویهٔ برادرانه دارند، خصوصاً اعاشه و اباته خوب میشویم و هیچ تکلیفی نداریم، اگر مریضی عاید حال ما شود به زودترین فرصت به داکتر معرفی میشویم، خلاصه آنها هر نوع کمک رفیقانه وبرادرانه باما مینمایند، در کورس سواد اموزی شامل میباشم، قبل از انقلاب ثور بی سواد بودم.

تاج الدین درختم توضیحاتش یاد آور شد:

«باید جوانان ما شهر وده خود را از عناصر وابسته به دالر و کلدار و اجیران فروخته شده کاملا پاک نمایند و از ینطریق وظیفه ایمانی و وجدانی خود رادر برابر خاک، وطن و انقلاب ادا نمایند»

«میاخیل»



تمدید شبکه ها و مراقبت از جریان برق در فابریکه ها، موسسات و منازل نیازمند دقت و احتیاط فراوان است، کارگران وانجنیران ما بطور شایسته این وظیفه را انجام میدهند. (عکاسی ح.ا.ث)

همبستگی با دولت انقلابی

مردم زحمت کش علاقه داری کشک نخود ولایت هرات طی گردهمایی در مرکز آن علاقه داری یکبار دیگر آمادگی شانرا دو تطبیق بر نامه های مترقی دولت، دفاع از انقلاب ثور و دست آورد های تاریخی آن ابراز کردند.

دراین گرد همایی پس از آنکه آمر زون شمال غرب ووالی هرات به ارتباط اهداف وپلان های مترقی دولت صحبت کردند یک تن به نمایندگی از مردم زحمت کش آن علاقه داری همکاری همه جانبه را در دفاع از دست های انقلاب ثور وعده داد.

طبق یک خبر دیگر برای یکعده از افسران وسربازان قوماندانی خارندوی علاقه داری کشک ونخود که در دفاع از انقلاب از خود شهامت وقهرمانی نشان داده اند مدال های افتخاری که از طرف هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان منظور گردیده توسط آمرزون شمال غرب توزیع گردید.

بامدافعین انقلاب

خواجه حیات الله جوانی (۲۷) ساله را در حالیکه قبضهٔ تفنگ را در دست میفشرد در قریه ده یحیی ولسوالی ده سبز ملاقات نمودم. او که قبلا به اثر اغوای دشمن خانواده و زادگاهش را رها کرده و به کوه و دشت متواری شده بود و اکنون با درک حقانیت راه انقلاب به صف مدافعین انقلاب پیوسته با یاد آوری از خاطرات سه سال قبلش لب به سخن گشوده گفت:

در سال ۱۳۵۸ متعلم صنف یازده لیسه ابن سینا بودم، در یکی از شب ها به قریه ما دستهٔ از دزدان حمله آورده و با تهدید وتخویف مرا وادار نمودند تا دست از تحصیل بر داشته با آنها بپیوندم اگر چنین نمیکردم آنان پدر و مادرم را مورد اذیت و شکنجه قرار میدادند، بناچار با آنها رفتم پهنه دست هاوارتفاع گره ها را با پای پیاده و تحمل مشقت زیاد پیموده بالاخره به پشاور رسیدیم، مدت چهار ماه در آنجا بسر بردیم پس از یک سلسله فرا گیری اشکال فعالیت های تخریبی بما اسلحه داده شد و دو باره برگشته به کوه صافی آمدیم در آنجا ما با واقعیت هایی که کوشش میگردید تا از نظار پنهان نگهداشته شود آگاهی یافته و به کنه اعمال «مجاهدین» پی بردیم.

وی افزود: در برج سنبله سال ۱۳۶۰ موقعی که با رفقایم از شمالی جانب زادگاه خود در حرکت بودیم در محلی بنام ذمه که پائین تر از خواجه چاشت است، یک دسته از گروپ مولوی شفیع راه ما را گرفته از ما دعوت نمودتا دو باره با آنها همکاری خود را ادامه بدهیم. ولی من با قاطعیت این دعوت را رد نمودم.

آنان ما را به محاصره گرفته بالای ما حمله کردند. پس از زد و خورد طولانی حلقه محاصره راشکستانده فرار نمودیم اما سه نفر از رفقای ما را دستگیر نموده و با سنگ و چوب به قتل رسانیدند. این واقعه سخت بر من و رفقایم تاثیر نمود، ما بیشتر متیقن شدیم که این دزدان غیر از مسلمان کشی، فریب کاری تخریب و تفتین دیگر هدفی ندارند. اعمال ننگین و دور از انسانیت و اسلامیت این جنایت پیشه گان سبب گردید تا با استفاده از فرمان عفو دولت انقلابی خویش دوباره درصف هموطنان خود قرار گرفته هر گونه تعلق خود را با آن دزدان قطع نمودم. او در حالیکه ازاعمال گذشته خویش اظهار ندامت میکرد گفت:

«من درک کرده ام که در واقعیت عبادت ومجاهدتی بزرگتر از خدمت به انقلاب وطن و مردم نیست.»

در راه دفاع از انقلاب

کمک به زارعین کندز

بخاطر کمک به زارعین پخته کار ولایت کندز الی اخیر ماه حمل ۱۳۶۲ به مقدار ۱۸۸ر۱۲۵۲ تن کنجاره به اشخاص و موسسات توزیع گردیده است.

یک منبع مسوول شرکت سپین زر ولایت کندز به خبرنگار ح.ا.ث ضمن اظهار این مطلب گفت:

از جمله، مقدار ۱۲۰ر۷۰۰ تن کنجاره به زارعین پخته کار ۶۴۰ر۱۳۹ تن برای اتحادیه کوپراتیف های دهقانان، ۱۱۰ تن برای اتحادیه صنفی و ۴۲۸ر۳۰۲ تن دیگر بصورت انفرادی به اشخاص مستحق توزیع گردیده است.

(میاخیل خبرنگار ح.ا.ث در کندز)

کار داوطلبانه

کارگران، کارمندان ومنسوبین شرکت افسوتر به پیشواز اسامبله جهانی صلح که در پراگ دایر میگردد بر یروز جمعه ۲۷ جوزا در وظایف مربوط شان به کار های داوطلبانه پرداختند.

یک منبع شرکت افسوتر گفت بیش از یکصد هزار افغانی از اثر این کار داوطلبانه و دستجمعی به این شرکت نفع عاید گردیده است.

(ب)

هدیه به کنگره «صلح وزندگی» - پراگ.

...که صلح انسان وانسان صلح میخواهد!

شبانگاهان ز بزم نوریان، ز اغوش گرم دختران شوخ رؤیا ها
نظر گستردم اندر بیکران پهنای این دنیا
نگاهم هر سویی چرخید
و اما در شکوه آبی آرام و چشمستان اختر ها
نبود دلبر،
نبود زیبا،
چنانچون شاهد یکدانه گیتی:
- زمین،
مأوای انسان ها -

* * *

غرورم چون جلال آسمان جوشید،
و عشقم چون بهار گلفشان خندید ...
و لیکن ...
و لیکن ناگهان روحم، به یاد وحشتی لرزید.
نگاهم مرتعش لغزید
و دیدم ابر هول انگیز ازپولادو از آهن،
زمین را تند در پیچید،
ورعدی در فضا غرید:
به آهنگ یکی ناقوس اندر شرق و اندر غرب
تگرگ «بمب» ها بارید،
«اتم» بیداد آغازید،
هوا آتش گرفت و بحرهاو برکه ها خشکید ...
«یوروپ» را،
«افریقه» را، استخوان هاسوخت،
و قلب «آسیا» ترکید.
و مغز «امریکا» پاشید...
و پایان یافت زیبایی،
وپایان یافت هستی بزندگی در سینهٔ پر مهر این محبوب رؤیایی.

* * *

بلی! ...
بلی، تا چون «اتم» بیدادآغازید،
زمین مشتی غبار وکائینات آماج آفت شد،
قیامت شد،
قیامت شد،
قیامت شد ...
همیرفت آدمی را، زندگی را و زمین را دو دو آتش برفلک بالا
که دیدم آنسو ابلیس وزئوس و اهرمن قهقاه خندیدند،
پرومته را و هرمزد راو ایزد را،
به صدها و هزاران نیشخند تلخ کین اندودکوبیدند
وخود را فاتحان یک نبردصد هزاران ساله نامیدند.

* * *

نبود تاب چنین ما فوق شوم، در چشم و در گوشم.
برفت هوشم،
برفت هوشم،
برفت هوشم ...
سحرگاهان دو دست گرم و نرم کودکم در گردنم آویخت
شکست این ماورای وحشت، این کابوس بر هم ریخت
در آن صبح فروزان حیات تازه دانستم:
که صلح انسان و انسان صلح میخواهد،
پرومته صلح و هرمزد صلح و یزدان صلح میخواهد.
که ابلیس و زئوس واهرمن، مردود باید کرد!
همه «بمب اتم» را از زمین نابود باید کرد!

کابل - ٤ جون ۱۹۸۳
(عالم افتخار)

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث



مسابقات تسلیحاتی با تشدید فقر، مرگ تدریجی ملیون ها انسان سیاره مارا ببار آورده است.

بخاطر صلح پایدار

تقاضای اخیر رفیق اندری گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی برای تدویر یک کنفرانس بین المللی در مورد شرق میانه مبین سیاست درست اتحادشوروی در مبارزات مردم علیه پلان های برقراری سلطه امپریالیزم ایالات متحده امریکا و اسرائیل در منطقه میباشد.

این مطلب را روزنامه تشرین چاپ سوریه نوشته است.

روز نامه اظهار میدارد که اتحاد شوروی از هر امکان برای صلح استفاده نموده و تقاضا مینماید که بخاطر یک صلح پایدار و عادلانه در شرق میانه باید اسرائیل از تمام سر زمین های اشغال شده عربی خارج وحقوق حقهٔ مردم عرب فلسطین تامین گردد.

(ب)

خشم ضد امریکایی

مظاهره اعتراض آمیز علیه امریکا پریروز در دهلی نو به راه اندا خته شد.

گزارشها حاکیست بر اساس تقاضای کانگرس ملی و کانگرس جوانان هند متجاوز از پنج هزار نفر به سفارت امریکا در دهلی رفته و اعتراضات خویش را علیه ادامه مداخلات واشنگتن درامور داخلی هند ابراز داشتند.

(ب)

تظاهرات اعتراضیه

هزار ها نفر از باشندگان بندر پیروس یونان در تظاهرات اعتراضیه که علیه تمرکز کشتی های جنگی امریکا در این بندربراه انداخته شده بوداشتراک ورزیده اند.

این مظاهره به ابتکار کمیته صلح و دیتانت بین المللی پیروس براه انداخته شده است.

تظاهر کنندگان با دادن شعار های مرگ بر پایگاه های امریکا، ما کشتی های جنگی قوای نمبر (٦) امریکا را نمی خواهیم در جاه های شهر راه پیمایی نموده و بعدا جلسه یی را در مرکز آن شهر دایر نمودند.

عقد قرار داد

قرار داد کار مو نتاژ شبکه چهارم برق شهر کابل شبکه کند هار و شبکه هرات میان ریاست پلان و ریاست ساختمانی امور برق وزارت انرژی برق عقد گردید.

یك منبع وزارت انرژی برق گزارش میدهد که قرار داد شبکۀ چهارم شهر کابل شامل نصب ترانسفارمر ۲۵ میگا ولت امپیر در سب ستیشن شمالغرب نصب دو پایه ترانسفارمر ۴۰ میگا ولت امپیر در سب ستیشن جدید شمال واقع میدان هوایی ارتباط لین ۱۱۰ کیلو ولت از لین موجوده ۱۱۰ کیلو ولت بین سب ستیشن های شرق و شمال غرب الی سب ستیشن شمال بطول ۳ کیلو متر اصلاح وتوسعه سب ستیشن های شرق بریبنا کوت شمالغرب شبکه ۱۵ کیلو ولت و تکمیل کارباقی مانده شبکه سوم شهر کابل میباشد.

همچنان در شهر هرات مونتاژ دو باب جکشن جدید تمدید لین های ۲۰ و ۶ کیلو ولت، مو نتاژ سیستم ارتباطی شبکه دیزل های موجوده، تمدید شبکه جدید ۲۰ کیلو ولت، اصلاح شبکه موجود ۶ کیلو ولت و تمدید شبکه ۴۰۰ ولت تمدید واصلاح شبکه سابقه صورت خواهد گرفت.

در شبکه کند هار تمدید لین ۱۱۰ کیلو ولت اعمار سب ستیشن تمدید واصلاح شبکه فعلی، تمدید شبکه جدید، اعمار جکشن های جدید تمدید شبکه ۴۰۰ ولت جدید واصلاح شبکه سابقه شامل میباشد.

منبع وزارت انرژی برق علاوه کرد که کار مو نتاژ شبکه چهارم شهر کابل به همکاری کمپنی الکترو تخنیك دولت دوست جمهوری دموکراتیك آلمان و همچنان کار مونتاژ شبکه هرات و کند هار به همکاری کمپنی واپکوس هند و موسسه خدمات انجنیری آب و برق صورت میگرد.

سامان آلات پروژه شبکه چهارم به مبلغ (۳۹۶۵۳۰) دالر با استفاده از کریدت ۲۰ میلیون دالر دولت دوست جمهوری دموکراتیك آلمان از کمپنی ایتای آلمان دموکراتیك خریداری وسامان آلات قسما به ساحه مواصلت کرده است.

همچنان سامان آلات شبکه کند هار و هرات به مبلغ (۹۱۲۴۲۶۹) دالر با استفاده از قرضه سیزده میلیون دالر کشور دوست جمهوری دموکراتیك آلمان از کمپنی ایتای آلمان دموکراتیك خریداری گردیده واز شروع قرار داد تاکنون اکثراً سامان آلات به ساحه کار مواصلت کرده است.

حرف های پیرامون:
صلح وزندگی

سوال : محترم داکتر عبدالواحد سرابی ! لطفاً نظر خود راپیرامون اهمیت پیشنهادات صلح ج.د.ا در رابطه با تامین صلح در منطقه و حل قضایای مربوطه آن بیان نمایید.

جواب: پیشنهادات جمهوری دموکراتیك افغانستان مبنی بر اینکه مسایل متنازع فی بین افغانستان و ممالك همسایه به واسطه مذاکرات مستقیم میان جوانب ذیدخل به منظور حل اختلافات از طریق صلح آمیز حل گردد اقدام بسیار عاقلانه وعملی است. هیچ موضوعی مربوط به روابط سیاسی بین ممالك سراغ شده نمیتواند که از طریق مذاکره و ایجاد حسن تفاهم حل و فصل نگردد. شرط عمده در هر مذاکره اینست که جانبین دریك فضای حسن نیت وواقعاً به منظور حل اختلافات به دوره مذاکره میز بنشینند و بخواهند که مشکل را حل نمایند نه اینکه را جع به مشکل تنها حرف بزنند. شرط دیگر موفقیت مذاکرات درك واقعی مشکل و پس منظر اندیشه سمت مقابل به اساس واقعیت های عینی است.

من کوچکترین تردیدی ندارم که مردم افغانستان صادقانه آرزو مند ایجاد یك حالت صلح و امنیت برای مردم ما میباشند تا در پرتوان یعنی در یك فضای مملو از مصوونیت راستین ودوراز هر گونه تشویش و ناراحتی پسمانی های اقتصادی و اجتماعی خود را تلافی نموده سعادت و رفاهیت همگانی راتامین نمایند.

هیچ ملتی بهتر از ملت افغانستان و هیچ فردی بهتر از افراد ملت افغانستان خیر وصلاح مارا نیکوتر از ما درك وتشخیص نمی تواند.

دوستان ماآنانند که طالب اتحاد افراد ملت ما، آبادی و بقای سعادتمند مملکت ما میباشند. یگانه راه حل دایمی و پایدار رفع سوء تفاهم و آزردگی در داخل وحل اختلاف با خارج، راه مستقیم مذاکره و مفاهمه در فضای حسن نیت وصداقت بی قید و شرطاست. جنگ و استعمال اسلحه هیچگاهی وسیله معقول و انسانی برای رفع اختلاف طوریکه آن راه حل واقعی و پایدار باشد، نبوده ودر آینده هم نخواهد بود.

سوال : به نظر شما چه نیرو های در بر هم زدن صلح در جهان تلاش می کنند.

جواب : نیرو های درجهان طالب جنگ و دشمن صلح شمرده میشوند که به مقام انسانیت و ارزش های انسانی احترام می قایل نمی باشند. انسان صرف در فضای صلح و امنیت می تواند کار کند، تولید نماید، برای خود، فامیل خود، مردم خود وجامعه انسانی مصدر خدمات گردد که وظیفه انسانی یك فرددر جامعه انسانی است. ارزش های بسیار گرانمایه را که ما امروز در ساحات مدنیت، علم کلتور و تخنیك از گذشتگان به ارث گرفته ایم بهترین و نابترین انها صرف از برکت فضای صلح وآرامی در هنگام ایجاد و تشکل آن، به وجود آمده است. آنانیکه طالب جنگ اند دشمن مدنیت و بقای بشریت اند.

سوال : لطفاً نظر خود را درباره جرگه های وطنی درامر تامین صلح سرا سری در وطن ما ابراز نمایید.

جواب : یکی از عنعنات بسیارپسندیده و بس ارزشمند مردم جامعه ما پابندی به رسوم و رعایت سنن جرگه های ملی ما است. مردم ما هم به پیروی از سنت های پسندیده ملی و قومی خویش وهم به پیروی و احترام به عقاید دینی خویش که اطاعت ازحکم (وشاورهم فی الامر) است جرگه ها و مرکه های ملی خود را سخت ارج میگذارند.

تغییر و تحول گاهی به صورت آگاهانه و زمانی بطور ناآگاهانه در ذهن مردم سبب بروز مشکلات واختلافات میگردد. انسان را که خداوند برایش مغز و زبان عطاء کرده نعمتی است بس عظیم. پس افرادهر قدرعاقلتروکاملتر باشند به همان پیمانه ازتفکر وافاده استفاده می کنند.

جرگه ها و مرکه های قومی بهترین وسیله است که میتوان ازین نعمت یعنی تعقل و افاده احساس و ادراك استفاده کردوبه قضاوت عقل سلیم و کمك اندیشه ژرف برای رفع اختلاف وسوء تفاهم استدلال نمود.

من ایمان دارم که اگر راه مذاکره در جرگه های قومی باز باشد و مردم فرصت یابند تاصادقانه وصمیمانه تمام دردها و خواهشات مشکلات و آرزو های خودرابه شکل ملی صمیمانه وبرادرانه بدون خوف و ریا درمیان بگذارند، بگویند وبشنوند وجانبین صادقانه عمل کنند، یقین است که به زودی و سهولت فضای مطلوب صلح، امنیت، اعتماد متقابله واخوت واقعی ایجاد میگردد.

(ح.ا.ث)

استقبال از پیوستن گروه های مسلح بادولت

هزاران تن از اهالی شرافتمند ولایت کندز اعم از اعضای سازمانهای حزبی و اجتماعی، استادان، شاگردان، کارگران کارمندان دارات دولتی اخیرا مارش عظیمی را بخاطر استقبال از جلسه سران گروه های مسلح و پیوستن آنها بدولت انقلابی درجاده چوك مرکزی و چوك سپین زر کندز براه انداختند.

طبق اطلاع خبرنگار ح.ا.ث از کندز در آغاز میتنگ مسوول شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته حزبی ولایتی کندز بیانیه ایراد نموده متعاقب آن مولوی محمد حسن قوماندان خارندوی و خالباز یکی از سران گروه های مسلح پیوسته به دولت در ارتباط جنایات ووحشیگری های اشرار بیاناتی ایراد نمودند.

میتنگ با دادن شعارهای انقلابی خاتمه یافت.

(ح.ا.ث)

جلسۀ فعالین حزبی

جلسه فعالین حزبی قوماندانی لوای نمبر یك سرحدی ننگرهار اخیرا در اطاق تنویر سیاسی آن قوماندانی دایر شد.

در جلسه بعد از آنکه گزارش اساسی توسط قوماندان لوای نمبر یك سرحدی قرائت شد شش تن از اشتراك کنندگان به ارتباط گزارش اساسی ابراز نظر نموده و آنراتایید کردند.

در اخیر معاون کمیته حزبی ولایتی ننگرهار و همچنان نماینده آمریت سیاسی قوماندانی عمومی قوای سرحدی کار جلسه‌را مثبت ارزیابی کردند.

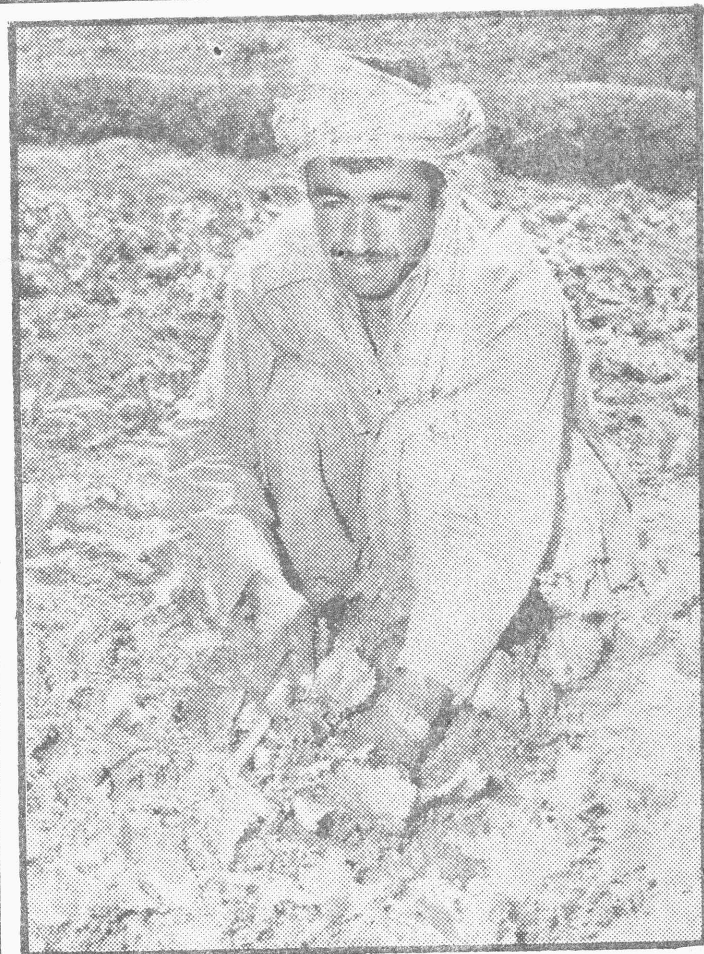
(ب)

قرار داد جمعی

قرار داد جمعی بین آمریت عمومی دستگاه ساختمانی افغانی و لایت بلخ واتحادیه صنفی آن آمریت طی مراسمی عقد گردید.

قرار داد را آمر دستگاه ساختمانی افغانی ومسوول اتحادیه صنفی آن آمریت امضا و اسناد آن مبادله شد.

(ب)



کار و اندیشه دهقان میهن ما معطوف به شگوفانی و سعادت میهن و مردم است. مرگ بر آنانیکه به دستور دشمنان بشریت در صدد اخلال این کار شریف و این اندیشه انسانی بر می آیند.

ملاقات ها

رفیق صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان قبل از ظهر دیروز در دفتر کارش با فولکر یونکه عضو بیروی سیاسی حزب سوسیالیست متحده برلین غربی و رئیس اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیکنبخت ملاقات نمود.

طی این ملاقات دوستانه رفیق صالح محمد زیری در رابطه به شرایط دشوارزندگی زحمت کشان افغانستان قبل از انقلاب ثور صحبت نموده پیرامون تشکیل جبهه ملی پدر وطن واهداف آن مطالبی بیان نمود.

قرار یك گزارش دیگر هیات اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیکنبخت دیروز از موزیم سلاح های که از ضد انقلاب به غنیمت گرفته شده است باز دید بعمل آورد.

● ● ●

رفیق محمود بریالی عضو علی البدل بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان دیروز در دفتر کارش با نگوین سی هوات سفیر کبیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام ملاقات تودیعی نمود. دوره ماموریت سفیر کبیر موصوف اخیرا در افغانستان به پایان رسیده است.

جلسۀ کمیسیون انسجام و بررسی اصلاحات ارضی

جلسه کمیسیون انسجام و بررسی اصلاحات دموکراتیك ارضی مربوط شهر جلال آباد اخیرا در مقر کمیته حزبی شهر جلال آباد دایر گردید.

در آغاز جلسه آمر گروپ ششم عملیاتی اصلاحات دموکراتیك ارضی شهرجلال آباد گزارش فعالیت های گروپ متذکره را ارائه کرد و پس از بحث و مذاکره روی آن تصامیم لازم درزمینه اتخاذ شد.

(ب)

آنروز «اردی شان» میمرد

«در قریه بعد از دو روز سکوت مرگبار ی حکمفرما گردید. دوروز بودصدای فیر های ثقیل و مسلسل تفنگ ها قطع نگردیده بود، فقط گاهگاهی منفرد فیر میگردید وصدای فیر با صدای ناله و غوغای سگ ها در کوچه ها می پیچید.

عصربود که محاصره شکست و افراد داکتر شیر مفرورا نه داخل قریه گردیدند افراد جمعیتی نیست و نابود شده بودند. داکتر شیر درین قریه دنبال مهمانات جمعیتی ها میگردید، افراد داکتر شیر قریه را زیرورو کردند، کوچه ها بوی خون میدادند، در هر کنجی جسدی افتیده بود، از خانه هاصدای شیون به گوش میرسید.

جمعیتی ها مردان وزنان قریه را در خط اول قرار داده بودند تا افراد داکتر شیر بر قریه حمله نکنند. اما افراد داکتر شیر رحم نکردند. زنان دو باره به با مهار فتند وازمیان گوشۀ چادر های بزرگ الوان به کوچه ها، به جویبار های خونین و به اجساد میدیدند. گاهی زنان باشیون وناله های وای خدایا مرگم بده ...، ازبالای بام ها به کوچه ها می دویدندو دربین کوچه هادیوانه وار اجساد عزیزان شانرا می پالیدند وو قتی با افرادداکتر شیر بر میخوردند، دو باره باچیغ وو حشت را هی خانه ها می گردیدند...

تاریکی کم کم به اردی شان سایه می افگند، تلاش داکترشیر هنوز بی نتیجه مانده بود و محل مهمانات را نتوانسته بودند بیابند.

آنگاه داکتر شیر خواست از افرادی که‌رده مانده بودند، بپرسد. از اولین خانه آغاز کردند. درین خانه زنی سیاه روزی می زیست که دور از عدالت و نوع دوستی بار ظلم باندهای آدمکش را کشیده بود. یك سال قبل نیمه های شب بود که افراد پوز بسته آمده بودند و شوهرش رابرده بودند. دیگر وی ازشوهرش نمیدانست.

زن را از خانه بیرون کشیدند. سی،سی و پنج سال داشت، قد شش متوسط بود و طفلی یك، یك ونیم سالۀ پستانش را می مکید.

داکترشیر اززن پرسید:

ـمهمانات، مهمانات کجاست؟

زن که سرش برهنه بود، دستش را به سرش مانده و گریه کنان گفت:

ـبه سر اولاد هایم، به خداقسم میخورم، کدام مهمانات من هیچ چیز را نمی فهمم.

ـاگر نگویی می کشمت...

ـرحم کنید. من چه باید کنم، شما چه میخواهید؟

ـمهمانات کجاست؟

زن طفلش را در آغوشش محکم فشرد. به اطرافش نگاه کرد، بعد گریه کنان چیغ کشید:

ـنمیدانم به خدا نمیدانم.

ـبسوزانید. بسوزانید...

زن دیوانه وار به عقب دوید و گریه کنان فریاد کشید:

ـرحم کنید، به اولادهایم رحم کنید.

یکی از ما گیلن پترول را بربام، درو دروازه خانه پاشید و گوگرد زد. خانه آتش گرفت. زن فریاد کشید:

ـاولاد هایم. به آنها رحم کنید...

زن دیوانه وار و چیغزنان به طرف خانه واولاد هایش دوید. هنوز به دروازه نرسیده بود که ماشیندار به صدا آمد. آنگاه زمین لرزید و بزرگترین فاجعه به وقوع پیوست. زن در جوار دروازه در خون غلطید زن هنوز هم چیغ میزد:

ـاولاد هایم. آنها می سوزند...

خانه بیشتر آتش می گرفت. زن نیم خیز شد، طفلش را که ناله میکرد اززمین خواست بر دارد، نتوانست ودوباره به زمین خورد. زن خودش را به طفل نزدیك ساخت واورا در آغوش کشید.

شعله های آتش از کلکین ها به بیرون زباله می کشید. زن نمرده بود. او بار دیگر خواست بر خیزد. دستش را روی زخمش گذاشت، نیم خیزشد و رویش رابرگردانید. زن شعله های آتش را که از کلکین های کوچك خانه به بیرون زباله می کشید، دید.

اوبلند تر چیغ زد:

ـخدایا اولاد هایم. اولاد هایم می سوزند...

تا آنگاه من چیزی ندیده بودم.

آخرین فریاد های زن که ضعیف تر می شد، مرا بخود آورد. من دیدم، زن با طفل در برابر شعله های دروازه خانه به زمین خورد.

شعله تمام خانه را در بر گرفته بود. از درون شعله ها فریاد های سوختم.... سوختم، رحم کنید... رحم کنید با چیغ و ناله های کودکانه به بیرون راه می یافت. این ناله هامرا تکان می داد من دیدم زن می میرد، یکبار احساس کردم جهان میمیرد.

در روشنایی شعله ها چهرۀ داکتر شیر را دیدم. به‌نظرم بیگانه آمد. من سالها بود که وی را می شناختم و وی به حدی به‌نظرم کریح آمد که نتوانستم به طرف وی ببینم.

ناله هارا گاهگاهی صدای چوبهای سوختۀ سقف که‌می‌شکستند، می کشت. چشمانم به جسد زن افتاد. چوب سوخته سر دروازه درنزد یکی وی به زمین افتید و لباس زن آتش گرفت. من احساس کردم اردی شان آتش گرفت. آنگاه لرزیدم و دویدم تاجسد زن‌را از آتش دور سازم. میلۀ تفنگ داکتر شیر چوستون سیاهی جلوم را گرفت. درست درهمین لحظه تیردیگری سقف افتید وزن وطفلش را آتش احاطه کرد

من چیغ کشیدم:

ـنه نگذارید انسانیت بسوزد. نگذارید اردی شان بسوزد... من را چند تایی از محل دور ساختند. من شعله هارا، چشمان وحشت زده زن را، دستان وپاهای سوخته طفل رامی دیدم. چشمانم رابستم و چیغ کشیدم...

فریاد های داکترشیر مرا بخود آورد:

ـآدمك مهربان...

او مانند شیطان نعره میکشید. من اورا مثل اینکه فقط همین اکنون دیده ام با دقت ورانداز کردم. من کشته بودم، سوختانده بودم اما هرگز نگریسته بودم. تزرع کنان گفتم:

ـآنها می سوزند...

افراد داکتر شیر گویامن دیوانه شده ام مرابستند.

جهان باور نخواهد کرداما اردی شان چگونه میتوانند فراموش کند. آن روز اردی شان میمرد.

● ● ●

من از خود متنفر بودم از همه چیز. من خودم را از اردی شان، ازدیوار های سوخته از قبرستان ها پنهان مینمودم، من ازانسان اردی شان، از انسان وطنم می هراسیدم. من نمیتوانستم خودم رابکشم، من میترسیدم زمین وطنم مرا نپذیرد.

● ● ●

یکبار جرقۀ در من امید زنده ماندن داد. لولۀ تفنگم را از شقیقه ام که لحظاتی قبل می خواستم به همه‌چیزخاتمه‌دهم،دورساختم:

چرا شیطان زنده بماند؟ چرا اردی شان هابسوزند؟

چرا انسان بمیرد؟ چرا شیطان زنده است؟

لولۀ تفنگم رابر گردانیدم: علیه شیطان ها، علیه داکتر شیر ها، علیه ظلم و آتش سوزی ها، علیه هر چه زشت وناپاك است...

● ● ●

امروز من به حیث انسان گنهگار میخواهم خونم را در راه انسان های اردی‌شان، در راه انسان های وطنم قربانی کنم...»

وی نتوانست ادامه بدهد. رویش را با شف دستارش پوشاند واز اتاق بیرون رفت.

وی هدایت‌الله کاووش، نام داشت وسر دستۀ یکی‌از گروپهای تسلیم شده بود. او به دفاع از اردی شان بر خاسته بود.

«آردی شان» نام قریه است در کتسم بدخشان.

«یحیی هارون»

متن بیانیهٔ رفیق ی.و.اندروپوف در پلینوم کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش

(قسمت دوم)

البته بطور کل نیروی مولده عمده عبارت از انسان و فعالیت عملی آن می‌باشد. در اینجا منظورم نه فقط دسپلین آگاهانه، روابط خلاقانه نسبت باکار است، بلکه سازماندهی دقیق، توانایی کار افراد و دستمزد آنان نیز می‌باشد.

بدین ترتیب، مادر اینجا به مساله بهبود روابط تولیدی بر می خوریم. اساس آنها مالکیت جمعی بر وسایل تولید می باشد. آنگونه که هویداست در کشور ما این امر شکل دوگانه دارد: مالکیت دولتی و کالخوز- کوپراتیف. ما دورنمای آن را در آمیزش این دو شکل به یک شکل واحد همه مردمی می بینیم. واضح است که نه از طریق دگرگونی میکانیکی کلخوز ها و ساوخوز ها، پراتیک نشان میدهد که راه دیگری هم وجود دارد، به طور مثال هم پیوندی صنایع زراعتی، انکشاف موسسات بین کلخوزی وبین کلخوز ها- وساوخوزهامی باشد. برنامه بایستی همه این مسایل را عمیق و دقیق روشن سازد.

یک نکته عمده دیگر. ما نمی توانیم فراموش کنیم که در جامعه سوسیالیستی زندگی می کنیم که انکشاف آن بایستی ذریعه اصول بنیادین سوسیالیزم البته منجمله به اساس اصول تقسیم کار تنظیم گردد.

در کشور ما همه حقوق مساوی و مسوولیت های مساوی نه در برابر جامعه دارند. تساوی کامل به مفهوم استفاده برابر از نعمات مادی فقط در شرایط کمونیزم‌ممکن است و بس. اما تا رسیدن به آن بایستی راه طولانی راپیمود. دراینجا سطح به مراتب عالیتر هم در اقتصاد وهم در آگاهی انسانها ضرورست و امروز اگر بخش معینی بودجه مصارف اجتماعی را در نظر نگیریم، در کشور ما هر شهروند فقط حق این نعمات مادی را که با کار مفید اجتماعی آن مطابق می باشد، دارد. فقط دراین امر و اینجا محاسبه دقیق برنده و مراعات جدی این اصل عمده می باشد.

تکمیل مناسبات تولیدی همچنان به صورت اساسی بهبود پلان گذاری واداره را تقاضا می نماید. درجامعهٔ ما در تشکل مجتمع اقتصاد ملی کشور، تجارب معین‌در جهت پلان گذاری کامپلکس نظر به مناطق و نظر به پرابلم های اساسی اقتصاد اندوخته شده است. نمونه های اخیر عبارتند از پروگرام غذایی وانرژتیک. پروگرام انرژتیک سند معتبر دارای اهمیت دور نمایی و درنوع خود پروگرام الکتروفیکاسیون در شرایط معاصر میباشد.

عملی نمودن این پروگرام ها کار عظیم حزب، دولت وهمهٔ مردم را خواستار است.

اما نارسایی ها در پلان گذاری ما خوب روشن است تقسیم نامعین منابع، عدم توازن پلانها، تفاوت بین کالا هاو در آمد اهالی، رفع چنین پدیده ها و ظیفهٔ اقتصادی و هم سیاسی میباشد.

رشد مناسبات تولیدی امروز، تقاضاهای جدیدی را در برابر سازماندهی مسابقات کار سوسیالیستی قرار میدهد. اکنون یکی از اشکال اساسی آن، مسابقه بخاطر اجرای کار بیشتر از پلان های تولیدی میباشد ضمنا بطور عموم بخاطر شاخص کمی آن. در اکثر حالات این مطلب‌مانند گذشته درست به اثبات رسیده است. مخصوصاً در صنایع معادن، فکر میگردد لازم است که اکنون توجه عمده به آن مقاصد مسابقات کار مانند ارتقای کیفیت‌محصولات، بهبودی استفاده از قدرت تولیدی، مواد خام، انرژی ووقت کار مبذول گردد. البته اقتصاد سنجیده شده یعنی اقتصاد در همه جا، ازیک تن فلز تایک کیلوگرام نان، به طورعموم باید گفت که اشکال‌مسابقات کار سوسیالیستی مانند سایر ابتکارات اجتماعی و جنبش های توده ای چیز منجمدی نیست که برای یکبار و همیشه باشد. این اشکال در رابطه به سطح آبدیدگی مادی و معنوی جامعه تغییر می یابد. توجه به موقع به آن، پشتیبانی وتوسعه همه عناصر مفید و حیات بخش و گسترش همه ابتکارات مفید و سازنده به عهده حزب است.

رفقا!

در کنگرهٔ بیست و ششم ما به صورت دقیق ضرورت تامین روابط نزدیک میان سیاست اقتصادی واجتماعی را اعلام داشتیم. این مطلب روشن است زیرا هدف نهایی مساعی ما در ساحهٔ اقتصادی بهبودی شرایط زندگی خلقهاست.

ما باید در موقع طرح پلان های اقتصادی، عوامل رشد جامعه یعنی عوامل اجتماعی، ملی ودموگرافی را درنظر داشته و آنها را در این پلان ها انعکاس دهیم. این امر باید سیاست واحد حزب واستراتیژی واحد رشد اجتماعی باشد.

ما اکثرا فرمول «ارتقای سطح زندگی »را مورداستفاده قرار میدهیم. اما بعضا آنرا به صورت اختصار تفسیر نموده و درین زمینه صرف رشد عواید اهالی وتولید مواد استهلاکی در نظر گرفته‌می‌شود. درحقیقت مفهوم سطح زندگی به مراتب وسیع‌تر و غنی‌تر است. در اینجا ارتقای دایمی سطح آگاهی وفرهنگ مردم بشمول معیشت، سلوک وآن اشیای که من آنرا کلتور مصرف عاقلانه مینامم، می باشد. درینجا هم نظم نمونه‌وی اجتماعی و تغذیه درست و مفیدو هم کیفیت خدمات عامه به صورت عالی (که وضع این امر در کشور ما هنوز خوب نیست) در نظر میباشد. درینجا از نقطه نظر زیبایی شناسی اخلاقی استفاده از وقت اضافی، در آن شامل است. خلاصه هر آنچه که در مجموع تمدن سوسیالیستی ارزش داشته باشد، شامل می‌گردد.

پیشرفت بزرگ در امر بهبود شرایط تهیه منزل برای اهالی بوجود آمده است، اما باوجود آن مسالهٔ مسکن برای بسیاری بحیث مساله مبرم باقی مانده‌است. این پرابلم را در آیندهٔ نزدیک حل ساخته، هر فامیل اپارتمان جداگانه خواهد داشت. لاکن لازم است تا توزیع منازل مانند دیگر نعمات به صورت عادلانه بوده خاصتاً باید در نظر داشت آنکه انسان چطور کار میکند، تامین گردد.

پیش بینی در قسمت رشد هرچه وسیعتر پایه های کوپراتیفی و جلب وسایل موسسات در ساختمان امکان دارد. ضمنا نه تنها در مورد منازل نشیمن، بلکه بطور مثال استراحتگاه ها، منازل برای کهنسالان، جاییکه این امر امکان دارد و ضرور میباشد، جاداده شود. این امر نه تنها از لحاظ اقتصادی مفید بوده، بلکه احساس کلکتیویزم، احساس اشتراک مستقیم را در حل مسایل اجتماعی در وجود مردم تربیه می نماید.

تکمیل سیستم مکافات مادی کافی نیست. بایدبه اندازهٔ کافی کالای مورد تقاضای مردم بیشتر تولید گردد. ضمناً معیار کیفیت بدون تخفیف و عالی ترین آن تعیین گردد. ولی وضع فعلی خیلی متاثر کننده میباشد. مواد اولیه دارای کیفیت خوب، ولی محصولات چنین است که مردم حاضر میباشند تا پول بیشتری به محتکر داده و فرآوردهٔ دیگری را نظر به علاقهٔ خویش بدست آرند. باید این وضع را اصلاح کرد و به تاخیر نیانداخت. به خصوص لازم است تا بدون تاخیر مواد خوراکه را با کیفیت عالی به مردم عرضه نمود. در پهلوی آن لازم است تا به ضرورت تکافوی خودی نیز توجه حد اکثر صورت گیرد. این هم یکی از مسایل عمدهٔ پروگرام موادغذایی میباشد.

مساله صحت بدون شک در سیاست اجتماعی حزب جای بخصوصی دارد. خصلت دموکراتیک نخستین کشوری دارای سیستم صحی مجانی ما در جهان برای همه‌آشکار است. ولی کیفیت آن تاهنوز مطابق به خواسته های‌جامعه رشد یافته سوسیالیستی نمی باشد. این مسالهٔ در سال های اخیر بار ها در فیصله های حزب تذکر یافته است. ولی برای حل این معضله تلاش های زیادی ضرور است. توجه بیشتر به طب وقایوی که یکی از طرق آن معاینهٔ همه ساله تمام مردم کشور می باشد لازم است، زیرا مطلب برسر صحت مردم یعنی امر خیلی ها مهم چه‌درعرصهٔ اقتصادی و چه درعرصهٔ پلان اجتماعی میباشد. حل تمام این وظایف بزرگ در عرصهٔ سیاست داخلی حزب به معنی حرکت چشمگیر به سوی جامعهٔ یکسان سوسیالیستی می باشد.

این هدف بزرگیست که ما آنرا از نظر تیوریک تصریح نمودیم و چندین نسل کمونیست ها آرزوی آنرا داشتند امروز برای ما مسالهٔ بلا واسطهٔ عملی می باشد. زندگی می آموزاند که استقرار جامعه بدون ساختار طبقاتی به صورت عمده و اساسی طوریکه بر می آید در مرحلهٔ سوسیالیزم انکشاف یافته صورت میگیرد. این نتیجه گیری کنگرهٔ بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی، طوریکه واضح است، در ریدکسیون جدید برنامه حزب انعکاس خواهد یافت. حزب عقیده دارد که سالها ودهه های آینده در کنار خویش تغییرات چشمگیری را در روبنای سیاسی و ایدیولوژیکی و زندگی‌معنوی جامعه با خود خواهد داشت.

قبل از همه در مورد رشد سیستم سیاسی کشور خویش، در مورد تکمیل دولتداری شوروی و توسعهٔ دموکراسی سوسیالیستی سخن بگویم. اکثر مقرره‌ها درین مورد که در برنامهٔ عمل فعلی حزب انعکاس یافته به خصوص بعد از تصویب قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عملی‌گردیده است. روابط نمایندگان وشوراها با اهالی بصورت قابل ملاحظه تحکیم یافته است. جروبحث های مردمی روی مهمترین مسوده های قوانین قویاً در عمل پیاده گردیده است. فعالیت اتحادیه های مسلکی که اکنون عملا در برگیرندهٔ همه زحمتکشان در شهر و ده میباشد ارتقاء می یابد، خلاصه کار های زیادی انجام یافته است. البته نه به آن شکلی که لازم است و باید انجام می یافت. به طور مثال چگونگی اتخاذ تصامیم در مورد مسایل عمدهٔ زندگی دولت و جامعه را در نظر میگیریم. امکان دموکراتیزه ساختن آن موجود میباشد. منظور من از جروبحث وسیعی روی مسوده های چنین تصامیم در کلکتیف های هرچه بیشتر زحمتکشان با درنظر داشت حتمی حرف اخیر اتحادیه های مسلکی کمسومول، سازمان های زنان وبرخورد حد اکثر دقیق نسبت به پیشنهادات زحمتکشان نمی باشد.

آیا نزدیکی فعالیت ارگان های حزبی و دولتی‌به نیاز مندی ها و منافع مردم و علنیت کامل‌در کاروگزارش متداوم کارکنان مسوول در برابر اهالی‌کمک نخواهد کرد؟

دربرنامهٔ حزب مسالهٔ کاهش واختصار دستگاه اداری ثبت گردیده است. فکر میکنم که باید این‌مسالهٔ را مانند گذشته با اهمیت شمرد. این مساله هم عملی وهم اصولی وسیاسی بوده لنین آنرامساله‌جدی وبا اهمیت می شمرد. در کشورما درین جهت تلاشهایی صورت می گیرد و لی کافی نمیباشد.

رفقا!

متیقن هستم که بدون صدمه به کار میتوان واحد های اکثر موسسات وسازمان ها را کاهش دهیم. اشخاصی سبکدوش شده، میتوانند در جاییکه کمبود کادرموجود است وظیفه اجراء نمایند. البته در ردکسیون جدید برنامه‌حزب موقف بخصوصی چشمگیری را باید موضوع رشد آینده بنیاد های دموکراتیک در اداره تولید احراز نماید.

فردا در جلسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی مسودهٔ نخستین قانون دولت ما، مسودهٔ کولکتیف های کارگری مورد ارزیابی قرار میگیرد. این سنددارای اهمیت بزرگ مهم سیاسی میباشد. بجاست که این قانون بعد از جروبحث‌واقع بینانهٔ مردمی به تصویب میرسد. خیلی مهم است که این قانون در زندگی‌بصورت همه جانبه تطبیق میگردد.

جریان عادی تکامل جامعهٔ ما بدون رعایت جدی قوانین که حافظ خواسته‌های جامعه‌و حقوق اتباع میباشد ناممکن است. خاصتاًضرور است تا با پدیده هایی از قبیل موارد استفاده‌از دارایی دولتی و عامه و استفاده از موقف غرض منافع شخصی خاتمه داده شود. زیرا اگر توجه ننماییم این امر چیز دیگری به جز تخریب‌ماهیت ساختار مانمی باشد. درین جا قانون باید آشتی ناپذیر باشد، استفاده از قانون وتطبیق آن برگشت ناپذیر است. دفاع از منافع مردم یکی از پایه های دموکراسی سوسیالیستی ما میباشد.

رفقا!

درباره‌یک مطلب دیگر. ما باید جنگ واقعی را علیه چنین‌برخوردی که معیار ها ومقررات دموکراتیک ما رادر عمل تحکیم نمی بخشد و صرف به شکل و تظاهر اکتفا میگردد اعلام نماییم.

بطور مثال چه سود از جلسه ایکه اکثرا با یک سناریوی قبلاآماده شده، دایر میگردد. زمانیکه علاقه و جروبحث صادقانه نبوده، صحبت های سخنرانان قبلا دیده شده و تصحیح میگردد ابتکارات وبر علاوه‌انتقادات خفه نه میگردند؟

آیا کار سازمان های اتحادیوی مسلکی که‌نتواند صدای خودرا به دفاع از منافع زحمتکشان و علیه این و یا آن پراگندگی در تولید بلند نماید مفید است؟ ویافعالیت مفتشین مردمی که به علامت‌آنهاگوش فرا داده نمی شود و تدابیر اتخاذ نمیگردد، ارزشمند است؟

خیلی ها مهم است تا حرف هیچگاهی‌از عمل‌دوری نگزیند و محتوی امر با شکل تغییر نپذیرد. خیلی ها مهم است تا حرف از عمل جدا نگردد و محتوی به شکل تعویض نگردد. این امر یکی از مهمترین ذخایر تکمیل دموکراسی سوسیالیستی ما در تمام حلقات زندگی دولتی و اجتماعی میباشد. آنچه به دورنمای بعید ارتباط میگیرد، ما کمونیست ها آنرا در تکامل دولت شوروی به ادارهٔ خود گردان اجتماعی می بینیم. طوریکه ما عقیده‌داریم این موضوع از طریق‌تکامل آینده دولت همه مردمی، جلب هر چه وسیعتر توده ها در ادارهٔ امور اجتماعی صورت میگیرد. واضح است که این روند به صورت خود بخودی و به ارادهٔ نیک‌کسی انجام نمی پذیرد. این روند مستلزم امکانات مادی‌جامعه وسطح آگاهی سیاسی و فرهنگی توده ها میباشد.

درک وبخاطر سپردن این مطلب خیلی ها مهم‌است. نباید راه‌ها واشکال انتزاعی گسترش دموکراسی ساخته و پرداخته شود، بلکه باید از زندگی آموخت. تضمین واقعی‌بودن مقررهٔ های‌برنامه یی ما در همینجاست.

رفقا!

هویداست که در ریدکسیون جدید برنامهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی مسایل سیاست ملی حزب مقام مناسبی را احراز می نماید.

من تاکنون چندین بار متذکر شده ام که تکمیل سوسیالیزم رشد یافته باید سیاست سنجیده شده وعلماً تنظیم شده رادر بر گیرد. این سیاست بر پایهٔ اصولی استوار است که از جانب لنین توصیه شده است:

برابری کامل همهٔ ملیت‌ها و خلقهای کشور، رشد مستقل- آنها در چارچوب اتحاد برادرانه و مشی بلا انحراف در جهت نزدیکی آنها. تحقق این سیاست، تربیت پیگیر همهٔ مردمان شوروی را با روحیهٔ انترناسیونالیزم سوسیالیستی ودرک عمیق از اشتراک منافع همهٔ خلقهای اتحاد شوروی از ما خواستار بوده و میباشد.

رفقا!

تکمیل سوسیالیزم رشد یافته بعنوان کار عظیم درجهت رشد معنوی افراد امکان پذیر نیست. طوریکه‌درینجا به درستی گفته شد تشکل انسان از همان سالهای نخستین زندگی او آغاز می گردد. در جریان پلینوم در مورد کار مکاتب وسایر موسسات تعلیمی ما، زیاد سخن رانده شد. میخواهم یک مطلب را تذکر دهم:

حزب سعی دارد تا انسان در کشور‌ما نه تنها با حد معین دانش تربیه گردد بلکه قبل از همه تبعهٔ جامعهٔ سوسیالیستی، سازندهٔ فعال کمونیزم مجهز با معیار های ایدیولوژیک، اخلاقی وخواسته ها و فرهنگ عالی کار و سلوک باشد.

وحدت تعلیم و کار تولیدی وسیلهٔ خوب تربیت میباشد. لازم است تا مشی تلقین عادت‌مکتب و عشق به کار مفید قاطعانه به پیش‌برده شود. این کار میتواند جسمانی و یا دماغی باشد مگر حتماًکار، واقعی، تولیدی واجتماعی باید باشد.

کار به رشد جسمانی مساعدت مینماید. ولی وضع آن در کشور ما خوب نیست. منظور من نه تنها دروس و ورزش و اشتغال به فعالیت های ورزشی‌است بلکه کسب حد اقل دانش در ساحهٔ حفظ الصحه و کمک های صحی نیز میباشد. لازم است تا انسان از جوانی ارگانیزم خود را بشناسد و بتواند آنرا منظم نگهدارد.

بدون از مکتب انسان در کجا میتواند بنیاد های پرورش استتیک را فراگیرد وحس زیبایی شناسی برای همه عمر کسب نماید، ارزش آثار هنری را درک کند و با آفرینش هنری آشنا گردد؟ البته حل این همه وظایف تلاش‌های زیادی میطلبد. باید در کنار سایر امور، انتخاب و تربیه کادر های پیداگوژیک را با درنظر داشت خواستهای عصر کنونی بهبود بخشید.

ما درینجا، در هیات‌رئیسه درین باره تبادل افکارنمودیم. فکر میشود که ضرورت می افتد تاروی رفورم مکاتب ما منجمله آموزش حرفه یی تخنیکی به صورت جدی غور نماییم.

رفقا!

استراتیژی حزب‌در تکمیل سوسیالیزم رشد یافته باید بر شالوده محکم تیوری مارکسیزم-لنینیزم متکی باشد. ضمناًاگر صریحاً بگوییم ماتاکنون جامعه یی را که ما در آن زیست و کار مینماییم به حد لازم نشناخته‌ایم، قانونمندی های مختص به آن خصوصاً قانونمندی های اقتصادی آنرا به صورت کل‌درنیافته ایم. ازین جهت اکثرا مجبوریم طوریکه میگویند به صورت امپریک‌به شیوهٔ کاملا نادرست آزمایش، باالشتباه عمل نماییم.

با کمال تاسف هنوز هم علم نتوانسته است به حل یک سلسله پرابلم های مهم ناشی از اصول و شرایط سوسیالیزم رشد یافته در عمل موفق گردد. منظور من چیست؟ قبل از همه‌انتخاب مطمئن ترین راه های ارتقای موثریت تولید، کیفیت محصولات، اصول قیمت گذاری های علماً تثبیت‌شده میباشد و نه تنها این مطلب، زندگی به طور دایمی پرابلم های تازه و تازتری را که باپیشرفت جامعهٔ ما ارتباط میگیرد در برابر ما قرار می دهد. علاوه بر آن تجربهٔ رشد و تکامل سوسیالیستی یک سلسله کشور ها، که مستلزم آشنایی دقیق، ارزیابی و تعمیم میباشد، اکنون موجود است. خلاصه اینکه در ریدکسیون جدید برنامهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی به نقش‌علوم اجتماعی در شرایط معاصر توجه حتمی صورت گیرد.

دربرنامهٔ کنونی‌در مورد اهمیت ادبیات و هنردرجامعهٔ سوسیالیستی ما سخنان خوبی گفته‌شده است. همزمان باآن یک عده احکام آن درین مورد به تکامل بیشتر ضرورت دارد.

(ص٤)

(بقیه ص ۳)

متن بیانیهٔ رفیق ی. و. اندروپوف ...

حزب از آنچه که علم و فرهنگ را غنا می بخشد و در پرورش زحمتکشان با روحیهٔ معیار ها و اصول سوسیالیزم پیشرفته کمك میکند، حمایت مینماید. حزب نسبت به استعداد ها، پژوهش های خلاقانهٔ هنرمندان با احتیاط و احترام برخورد مینماید و در شکل و شیوهٔ کار هنرمند مداخله نمیکند. لاکن حزب نمیتواند در برابر محتوای ایدیولوژیك هنر بیعلاقه بماند. حزب همیشه رشد و تکامل هنر راسمت میدهد تا هنر بتواند به منافع مردم خدمت نماید. البته مطلب بر سر تدابیر اداری نیست. شیوهٔ اساسی نفوذ بر آثار هنری باید نقد مارکسیستی – لنینیستی، نقد فعال، دقیق وهمزمان با آن آشتی ناپذیر با آثار ازنگاه ایدیولوژیك بیگانه و ازنظر حرفه یی ضعیف باشد.

ما همه مشاهده مینماییم به هر پیمانه یی که سطح فرهنگی مردم ارتقا مینماید تاثیر هنر بر شعور افراد افزایش می یابد. به همین ترتیب امکانات مداخلهٔ فعال وی در زندگی اجتماعی بالا میرود. این بدان معناست که مسوولیت رجل هنری بخاطر آنکه سلاح برنده آنان به امر خلق، به امر کمونیزم خدمت نماید به طور چشمگیر افزایش می یابد.

رفقا!

تجربهٔ تکامل جهانی طی بیست و پنج سال اخیر بر ضرورت تکمیل اکثر احکام برنامه که با پرابلم های بین المللی ارتباط میگیرد تاکید مینماید.

تناسب نیرو ها در عرصهٔ جهانی به طور بنیادی تغییر یافته است. مبارزهٔ دو سیستم اجتماعی جهانی به طور بیسابقه یی شدت یافته، همزمان با آن تلاش ها در جهت حل منازعه تاریخی بین این سیستمها از طریق تصادمات به معنای نابودی بشریت میباشد. خصلت رشد آیندهٔ مناسبات متقابل بین آنها یعنی مسالهٔ حفظ صلح در روی زمین هم امروز و هم در آینده نه چندان دور مسالهٔ اساسی سیاست خارجی حزب ماست. البته نه تنها از حزب ما. تهدید جنگ هسته یی که بر جهان سایه افگنده است و وامیدارد تا مفهوم اساسی فعالیت تمامی جنبش کمونیستی را جدیدا ارزیابی نمود.

کمونیست ها دایماً علیه ظلم و استثمار انسان از انسان رزمیده اند و امروز آنان به خاطر حفظ تمدن بشری، به خاطر حق انسان در روی زمین نیز مبارزه مینمایند. این مطلب باید در برنامه بازتاب یابد.

در عصر ما کشور های سوسیالیستی و سیاست آنها عامل دارای اهمیت بس بزرگ در امر تامین صلح پایدار در روی زمین میباشد. میخواهم بگویم که تحکیم همکاری و یکپارچگی این کشور ها اولین سمت فعالیت بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی را تشکیل میدهد.

در برنامهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد مناسبات طراز نوینی که بین کشور های سوسیالیستی به میان آمده، تذکر رفته است. لاکن دو دههٔ اخیر تصورات مارا در مورد سوسیالیزم غنا بخشید، واضحاً نشان داد که سوسیالیزم چگونه متنوع و بغرنج میباشد. بین کشور های سوسیالیستی جداگانه تفاوت های بزرگی در اقتصاد فرهنگ، در راهها و شیوه های حل مسایل رشد و تکامل سوسیالیستی موجوداست. این امر طبیعی است، حتی در صورتیکه بعضاً برای ما یکسان جلوه نماید.

تاریخ سوسیالیزم جهانی موید آنست که ساختار سوسیالیستی همهٔ امکانات را برای ترقی مطمئن اجتماع ومناسبات متقابل هم آهنگ بین کشور ها ایجاد مینماید. ما مثالهای زیادی را می بینیم که این امکانات بر پایهٔ انترناسیونالیزم سوسیالیستی که شامل احترام بدون قید و شرط به حقوق مستقل هر کشور و همپشتیبانی متقابل رفیقانه و کمك متقابل میباشد، تحقق می یابد. لاکن طوریکه تجربه نشان میدهد اینها همه به خودی خود صورت نمی پذیرد برای آنکه امکانات تحقق یابند مشی درست سیاسی لازم است.

بخاطر اشتباهات در سیاست لازم است کفارهٔ آنرا بپردازیم. وقتیکه نقش رهبری کننده حزب کمونیست ضعیف میگردد خطر انحراف به سوی راه بورژوازی رفورمیستی انکشاف به میان می آید. ارتباط حزب با مردم از هم میگسلد و در خالیگاه ایجاد شده مدعیان ناخوانده در نقش مدافعین منافع زحمتکشان به ظهور می رسند. اگر به گرایش های ناسیونالیستی پاسخ داده نشود تصادمات بین الدولتی به میان میاید که در جهان سوسیالیستی پایه و اساس برای چنین تصادمات وجود ندارد.

البته به خصوص مهم است که تفاوت های موجود از رشد همکاری جلوگیری ننماید. تامین این امر وظیفهٔ مقدس کمونیست ها، احزاب حاکم کمونیستی می باشد. بالاخره آنچه مارا از هم جدا میسازد به پیمانهٔ خیلی زیاد کوچکتر از آنست که دربین ما ساز نده گان جامعهٔ نوین مشترك است.

ما پشتیبان دوستی با همهٔ کشور های سوسیالیستی هستیم. آنچه به دوستان نزدیك و متحدان ما، کشور های جامعهٔ سوسیالیستی، ارتباط می گیرد ما نظر مشترك داریم: زندگی نه تنها خواستار گسترش همکاری بوده بلکه ارتقای کیفیت و موثریت آنرا نیز می طلبد.

این بدان معناست، اولا تکمیل هر چه بیشتر عمل متقابل سیاسی که پیمان وارسا وسیلهٔ عمدهٔ آن می باشد، ماچنان تصور مینماییم که درین عرصه همکاری های ما هر چه نزدیکتر خواهد بود. البته این همکاری ها در آینده نیز با درنظرداشت خصوصیت های موقف و همچنان منافع ویژهٔ هر دولت توسعه و گسترش خواهد یافت. همزمان با آن مشی مشترك تعیین شده آمیزهٔ نیرومند نظریات ومواضع کشور های برادر خواهد بود.

ثانیاً ما در جهت سطح کیفیتا جدید همپیوندی اقتصادی تلاش مینماییم، بدون چنین همپیوندی همین امروز نمیتوان زندگی کشور های جامعه سوسیالیستی را تصور کرد. در آینده این همپیوندی هر چه عمیقتر همه جانبه و موثر بوده تقویت اقتصاد ملی کشورهای عضو را به طور اطمینان بخش تامین مینماید. تلاش های مشترك ما در همین سمت میباشد.

بالاخره در عرصهٔ زندگی معنوی ما نزدیکی هرچه بیشتر خلقهای برادر، حسن تحکیم وحدت، اشتراك سرنوشت تاریخی، توسعهٔ تبادل ارزش های فرهنگی را پیش بین میباشیم.

واضح است اینها همه روند های دارای خصلت طویل المدت میباشند. آنها امروز جریان دارند مگر فردا ودر دهه های آینده هنوز هم به پیمانه وسیعتری بیان خواهند گردید و ما اطمینان داریم به هر پیمانه یی که سطح تکامل اجتماعی کشور های سوسیالیستی بالا تر وبه هم نزدیکتر باشد به همان اندازه بین آنها تفاهم موجود بوده، همکاری های شان زنده تر، غنی تر و عمیقتر خواهد بود. تحلیل و بررسی عینی و علمی موجودیت اختلاف نظر هایی که درین یا آن موارد بین کشور های جداگانه سوسیالیستی وهمچنان بین بعضی احزاب برادر در جنبش کمونیستی بوجود آمده اند و جستجوی راههای رفع آنها بر پایهٔ مارکسیزم – لنینیزم، راه های تحکیم یکپارچگی کمونیست ها، بدون شك یکی از وظایف پر اهمیت حزب در عرصهٔ بین المللی میباشد.

یکی از خصوصیت های بنیادی جهان معاصر که باید در ریدکسیون جدید برنامه انعکاس یابد عبارت ازنقش فزاینده کشور های آسیا، افریقا، امریکای لاتین و کشور های وارسته از تسلط استعماری و نیمه استعماری میباشد. پروسه هایی که درین کشور ها در جریان است بغرنج وناهمگون بوده و باید آنها را درست درك نمود.

دربعضی ازین کشور ها ساختار کاپیتالیستی استقرار یافته است. لاکن منافع عینی آنها باسیاست حکمروایی یی‌ودیکته که ازطرف دول امپریالیستی به پیش برده میشود در تضاد است. این کشور ها برای نیل به رفع عقبماندگی اقتصادی به همکاری مساویانه بین المللی و صلح پایدار نیازمنداند. اکثر آنها وسایل تحکیم استقلال خویش را در مناسبات باکشور های سوسیالیستی می بینند. طبعاً ما در آینده نیز مشی همکاری متقابلا سودمند با این دولت ها را با درنظر داشت احترام کامل استقلال آنها و عدم مداخله در امور آنها دنبال خواهیم کرد.

کشور هایی که درگذشته شامل جهان مستعمرات بودند و اکنون سمتگیری سوسیالیستی را انتخاب نموده اند به مانزدیکتر اند. نه تنها اهداف مشترك ضد امپریالیستی و صلحجویانه در سیاست خارجی بلکه آرمان های مشترك عدالت اجتماعی و ترقی مارا با هم پیوند میدهد. البته مابغرنجی های وضع آنها، دشواری های رشد انقلابی آنها را، مشاهده مینماییم. زیرا اعلام سوسیالیزم به مثابهٔ هدف یك امر ولی اعمار سوسیالیزم امر دیگریست. برای این امر سطح معین نیرو های مولده، فرهنگ و آگاهی اجتماعی لازم است. کشور های سوسیالیستی در کنار این دول مترقی قرار دارند. آنها را درعرصه سیاست و فرهنگ کمك مینمایند وآنها را در تحکیم قدرت دفاعی شان یاری میرسانند، ما آنهارا تا حدود امکانات خویش در رشد اقتصادی شان کمك مینماییم، مگر به صورت عموم دستیابی به رشد اقتصادی مانند ترقی اجتماعی این کشور ها در مجموع نتیجهٔ کار خلقهای شان وسیاست درست رهبری آنها میتواند باشد.

آنچه به جهان سرمایه داری ارتباط میگیرد ماشاهد تعمیق چشمگیر بحران سراسری این سیستم میباشیم. موثریت شیوه هایی کاپیتالیزم که توانسته بود به کمك آنها ثبات نسبی تکامل خویش را طی دورهٔ بعد از جنگ حفظ نماید به صورت هر چه بیشتر از بین میرود. به صورت خیلی آشکار دیده میشود که: امپریالیزم قادر نیست با پیامد های اجتماعی انقلاب علمی – تخنیکی که از لحاظ عمق و مقیاس بیسابقه است دمساز گردد و میلیون ها میلیون انسان زحمتکش با بیکاری و فقر دست وپنجه نرم مینمایند.

امپریالیزم در تضاد های آشتی ناپذیر داخلی وبین‌الدولتی، بحران ها و تصادمات در گیراست. این موضوع عمیقاً ولی به طور ناهمگون درسیاست کشور های کاپیتالیستی انعکاس یافته است.

ازیك جانب طوریکه گفتیم ماهیت تجاوزگرانهٔ نیرو های ماوراء ارتجاعی در راس امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا که میخواهد بهر قیمتی مانع تکامل گردد. به طوری تشدید یافته است. البته چنین سیاستی برای امپریالیست ها پیروزی‌ای را به بار نمی آورد ولی این سیاست ماجراجویانه برای بشریت خطر بزرگی است. بدین لحاظ این سیاست با مقابلهٔ نیرومند خلقها مواجه میباشد که بدون شك هنوز هم تقویت خواهد یافت.

اما در جهان سرمایه‌داری امروز گرایش های دیگر و سیاستمداران دیگری نیز موجود اند که به طور خیالی ریالستیك وضع را در عرصهٔ بین المللی در نظر می گیرند. آنها میدانند که در جهان پروسه‌های برگشت ناپذیری به وقوع پیوسته، ضرورت و مثمریت دوجانبهٔ همزیستی مسالمت آمیز دولت ها بانظام های متفاوت اجتماعی را درك مینمایند. ما از جانب خویش بار ها این مطلب را تذکر داده ایم و تکرار مینماییم که مابه این امر آماده ایم. ما اطمینان نداریم که این امر پاسخگوی منافع خلقها در هر دو جانب حصاری که دو جهان را از هم مجزا میسازد میباشد. زیراپرابلم های زیاد و بزرگی موجود اند که متعلق به همهٔ کشور ها بوده، اهمیت شان هر چه بیشتر گسترش می یابد. به طور مثال، حفاظت طبیعت در سیارهٔ ما، دستیابی به منابع جدید انرژی، تسخیر فضا وذخایر ابحار.

کمونیست ها معتقد اندکه آینده از آن سوسیالیزم است، جریان تاریخ چنین است. ولی این مطلب به کلی بدان معنا نیست که ما میخواهیم به «صدورانقلاب» مداخله در امور سایر کشور ها دست زنیم. سوسیالیزم صرف بر شالوده نیازمندی های عینی تکامل اجتماعی هر کشور رشد میکند. ما قاطعانه اعتقاد کامل داریم که سوسیالیزم بالاخره برتری های خودرا همانا در شرایط مسابقهٔ صلح آمیز با کاپیتالیزم به اثبات می رساند. ما به طور قطع طرفدار مسابقه در ساحهٔ نظامی که امپریالیزم آنرابر ما تحمیل مینماید نمی‌باشیم.

همزیستی مسالمت آمیز بطور عینی به توازن نظامی – استراتیژیك میان سوسیالیزم وامپریالیزم مساعدت مینماید. دستیابی به این توازن، یکی‌از عمده ترین دستاورد های دههٔ اخیر است. این توازن از خلق ما و خلقهای سایر کشور های جامعهٔ سوسیالیستی هزینه و نیروی زیادی را می طلبد و مانمی گذاریم که بر هم زده شود. ما در آینده نیز تمام تلاش بخاطر تامین امنیت کشور خود، دوستان و متحدین خود را به خرچ داده، قدرت محاربوی نیرو های مسلح شوروی،

این عامل نیرومند ایستادگی در برابر تمایلات تجاوزگرانه ارتجاع امپریالیستی راارتقاء خواهیم بخشید واما در صورتیکه موفق گردیدیم که سطح تسلیحات و مصارف نظامی را از هر دو جانب کاهش دهیم و به خلع سلاح، چیزی که مافعالانه بخاطر آن تلاش میکنیم، بپردازیم، این امر موهبت بزرگی برای تمام کشور ها و خلقها ست.

هدف ما، نه تنها جلوگیری از جنگ است بلکه ما در جهت بهبود بنیادی مناسبات بین المللی، تحکیم وانکشاف تمامی بنیاد های نیك درین مناسبات هستیم. مابه حقوق مستقل کشور ها وخلقها احترام عمیق گذارده. اصول حقوق بین الدول لرا که امپریالیزم معمولا سعی میکند بدور اندازدوپایمال کند بطور جدی مراعات میکنیم.

خلاصه اینکه، در عصر ما سوسیالیزم در سمت بمثابه پیگیرانه ترین مدافع اساسات سالم در روابط بین المللی، منافع دیتانت وصلح، منافع هر خلق وتمام بشریت عرض اندام میکند. در ریدکسیون جدید برنامه ح.ك.ا.ش. در بارهٔ همهٔ این موارد بایستی بطور واضح ذکر شود.

رفقا!

اجرای وظایف سترگی که در برابر کشور قرار دارد، ارتقای بعدی نقش رهبری کننده حزب را مستلزم است. بدین منظور حزب بایستی بطور مداوم اشکال و میتود کار مربوط به خود را بهبود بخشد.

با این محاسبه در برنامهٔ ح.ك.ا.ش. یك سلسله احکامی که هنوز هم مستلزم عملی شدن در زندگی است، وجود دارد. مسایل جدید بروز میکند.

بطور مثال تامین تقسیم درست وظایف ارگان های حزب و دولت در عمل خیلی مهم است، بار ها گفته شده که ارگان های حزبی نباید نقش ارگان های دولتی را تعویض نمایند، مگر همیشه ما به این امر موفق نمیشویم. این امر در نتیجه اکثرا باعث تقلیل مسوولیت آمران ارگان های دولتی، وپایین آوردن مسوولیت ارگان‌های دولتی و شعبی، در جهت گذاشتن این وظیفه به عهده ارگان های حزبی می گرددکه بالاخره منتج به عناصر برخورد اداری نسبت به امور می‌شود.

انکشاف بعدی دموکراسی داخل‌حزب، ارتقای فعالیت های سازنده، ابتکار و مسوولیت کمونیست ها ذخیره بزرگ حزب میباشد. به هرپیمانه ایکه کمونیست ها شجاعانه و مشخص عمل کنند، مسایل مبرم زندگی حزبی و کشور را مورد بحث قرار دهند و در تحقق فیصله های اتخاذ شده شرکت ورزند، به همان اندازه حزب ما پیروزمندانه میتواند رسالت تاریخی خود را اجرا کند.

ریدکسیون جدیدبرنامهٔ حزب موظف است مارا در امر متمرکز ساختن نیروها برای اجرای وظایف کلیدی که در برابر حزب و خلق قرار دارد، یاری دهد. اگر ما درست از عهدهٔ آن برآییم گام بزرگ نوین در راه انکشاف کشور و بهبود زندگی مردم خواهد بود وآنگاه ساختمان سوسیالیستی ما بااطمینان برای تمام جهانیان برتری ونیروی جاذبهٔ خودرا نشان خواهد داد.

مهم آنست که نه تنها سمت‌گیری های روشن و سنجش شدهٔ آینده رانشان دهیم. بلکه آنها را به‌آگاهی میلیون ها کمونیست و غیر حزبی برسانیم تا در انجام وظایف مطروحه سهم‌فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصتاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبههٔ ایدیولوژیك میباشد. کار تربیت ایدیولوژیك بیش از همه مسالهٔ پیوند حزب باتوده ها میباشد. اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کنونی کمك قابل ملاحظه به حزب در تمام امور آن میرساند.

سخنرانی باتوجه زیاد و کف زدنهای طولانی پیگیر شنیده شد.

(ح.ا.ث)

مسایل مبرم کار ایدیولوژیك توده‌یی سیاسی حزب

(قسمت دوم)

گزارش رفیق ك.او.چرنینکو

تلاش دارد تا تحولات انقلابی حیات جامعه را از حرکت باز مانده و مواضع از دست رفته خویش را احیا نماید.

باشکست های فاحش در عرصه بین المللی در سال های ۶۰ – ۷۰ دهه موجود امپریالیزم و قبل از همه امپریالیزم ایالات متحده امریکا حملات وسیع و بیشرمانه را بر سیستم اجتماعی ما، و ایدیولوژی مارکسیستی، لنینیستی اتخاذ نموده تلاش دارد تا اذهان مردم شوروی را مغشوش نموده، اهداف سیاست خارجی ما را وارونه جلوه دهد، و از جانبی هم نفوذ فزاینده سوسیالیزم عملا موجوداین تکیه‌گاه عمده امر صلح و آزادی خلق ها را به محاصره بکشانند.

واقعا مبارزه شدیدو وسیع دو ایدیولوژی جریان دارد.

این همه خواستار احیا، غنا، مبرم شدن محتوای کار ایدیولوژیکی و تربیوی، و اشکال و میتود های آن، و تشدید روحیه تعرضی تبلیغ ما را تقاضا دارد، لازم است تا قاطعانه بعضی پدیده های موجود مانند دوری از پرابلم های حیاتی فورمالیزم و تشریفاتی بر طرف گردد.

ریالیزم، حقانیت، کار برای توانایی نشان ندادن دستآورد های ما وتحلیل عاقلانه پرابلم های باعث تشویش مردم، داشتن تفکر نوین و وخامت – این است آنچه که کارمندان ایدیولوژیکی کمیته مرکزی متوجه آن اند.

همه فعالیت ایدیولوژیکی باید تایید کننده شیوه کارلنینی – شیوه کاربرای، نوآوری و پیشقدم بودن، توانا بودن، آشتی ناپذیری با کند ذهنی، که با نورم های مورال سوسیالیستی و زندگی کلکتیفی مغایرت دارد باشد. این امر که پلینوم ما در سالی که به حق به نام سال کارل مارکس اساس گذار کمونیزم علمی وایدیولوژی طبقه کارگر مسمی گردیده است تدویر می گردد دارای جلالی خاص است.

علمیت، دموکراتیسم، انقلابیت و هومانیسم این ایدیولوژی را از ایدیولوژی بورژوازی که مدافع نظام های استثماری و سیاست تجاوزگرانه امپریالیزم که منتج به ناسیونالیزم و سوونیسم میگردد بطور بنیادی متمایز می سازد که ایدیولوژی کمونیستی در مقابل ایدیولوژی بورژوازی شعور و قلوب ملیونها انسان را با واقعیت، صداقت، معقول بودن و اوپتیمیسم بسوی خود می کشاند این ایدیولوژی طبقه بالنده ایدیولوژی جامعه نوین، ایدیولوژی صلح و دوستی بین تمام مردمان جهان می باشد.

— یك —

رفقا!

موثریت کار ایدیولوژی وابسته بدان است که تاچه اندازه خصوصیات وضع کنونی کشور دقیق سنجش و بررسی گردد. به صورت

(ص ۵)

(بقیه ص٤)

مسایل کار مبرم ایدیولوژیک توده یی...

عمومی این پروسه واضح است. جامعه شوروی به مرحله طویل المدت انکشاف تاریخی یعنی سوسیالیزم پیشرفته قدم گذاشته و اکمال همه جانبه آن وظیفه استراتیژیکی ماست. در همین حالات و اوضاع واقعیت مرحله کنونی انکشاف جامعه ما انعکاس یافته است.

این مرحله سوسیالیزم پیشرفته میباشد، اما صرف شروع مرحله است.

ازیکطرف نزد ما وظایف عظیم امروز و فردا قرار دارد و از جانبی هم پرابلم های باقیمانده از دیروز قرار دارد.

پیشرفت های حاصله در حل وظایف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و کلتوری حل وظایف فاز اول کمونیستی (سوسیالیستی) میباشد. علامه های ساختمان جامعه کمونیستی نمایان قابل دید است.

در عین زمان حرکت مابه پیش نواقص اقتصادی رابا خود دارد. سطح تولید خاصتا در زراعت قناعت بخش نمی باشد، دسپلین و آگاهی قسمتی ازمردم ناکافی میباشد.

این نکته مفهوم است که نظرات و احساسات زحمکشتان نه تنها تحت تاثیر دست آورد ها، بلکه نارسایی ها و دشواری ها نیز شکل میگیرد.

نمیتوان این نکته را در نظر نداشت. باید رهنمود لنینستی را مبنای کار قرار داد که بر اساس آن «مراقبت هوشیارا نه از وضع واقعی آگاهی و آمادگی تمامی طبقه (نه تنها پیش آهنگ کمونیستی آن) و تمام توده های زحمت کش (نه تنها افراد پیشگام آن)» مهمترین وظیفة حزب است. تنها در چنین صورتی میتوان به پیروزی در کار توده یی و سیاسی و امر آفرینش کمونیستی امید وار بود.

همه این مطالب پاره از وظایف نظری و عملی رادربرابر ما مطرح میسازد. بطورمثال وظایف تیوریتیک را مد نظر میگیریم:

ما احکام و استنتاج های مواد کنگره ۲٤_۲٦ حزب کمونیست اتحاد شوروی، پلینوم های کمیته مرکزی وسخنرانی‌های ی.و.اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش رابه حق دستاورد های واقعی اندیشه مارکسیستی، لنینستی دوران اخیر میدانیم. طرح وتدوین نظریه سوسیالیزم پیشرفته طرق ارتقای سطح اثر بخشی تولید در شرایط انقلاب علمی و فنی و طرح مسئله استقرار ساختار غیر طبقاتی جامعه در چارچوب تاریخی مرحله نخستین کمونیزم، تعمیق تصورات ما پیرامون مضمون مسئله ملی در مرحله کنونی و مهمترین گرایش های زندگی بین المللی، تکامل آموزش لنینی جنگ وصلح و مسئله دفاع از میهن سوسیالیستی وهمچنان تعمیم‌های تیوریتیک دیگر، حزب را با اندیشه‌های نو و برخورد علما مدلل و آزمون شده نسبت بهمسایل مبرم عصر ما مجهز میسازد.

مبرهن است که حزب کمونیست اتحاد شوروی، در فعالیت تیوریک خویش بر بهترین آثار فلاسفه، اقتصاددانان، مورخین، جامعه شناسان، حقوق دانان و روان شناسان تکیه میکند. اما به هر حال کمك موسسات علمی به حزب میتوانست بنیادی تر باشد.

مثال مشخص میاوریم: ما از انستیتوت پژوهش های جامعه شناسی وانستیتوت مرکزی اقتصادی و ریاضیات عالی اکادمی علوم اتحاد شوروی که در سال های ٦۰ پیریزی گردیده اند توقع فراوانی داشتیم. اما تاکنون نیز از پژوهش های همه جانبه و مشخص پدیده های اجتماعی و مسایل مبرم اقتصادی خبری نشده است.

نارسایی های که تا حدود گوناگون برخی دیگر از موسسات علمی دچار آنها اند در کار این انستیتوت‌ها نیز به وضاحت دیده میشوند. باقی ماندن در محدوده «رساله های علمی» و علایق گروهی خویش، خرده کاری وضعف نفوذ حزبی در آن‌ها ازشمار این نواقص‌اند. شعبه علوم و موسسات آموزشی کمیته مرکزی، هیئت رئیسه وبخش های علوم اجتماعی اکادمی علوم اتحاد شوروی و سازمان های حزبی بایستی توجه بزرگی را نسبت به مسایل برنامه ریزی و سازماندهی پژوهش ها، سبک و اسلوب های کار موسسات علمی، معطوف دارند.

طرح فهرست مسایل سوسیالیزم پیشرفته بایستی در شاهراه تکاملی علوم اجتماعی قرار گیرد. سخن برسرانست که‌درحرکت از حقایق مکشوفه‌پیشروی نماییم ودر عین حال افق تیوریك خویش را گسترده سازیم و ادراك مان را از مهمترین قانونمندی های ترقی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و معنوی کشور ژرفا بخشیم.

سخن بر سرانست که‌به تفسیر شکوفایی و پختگی جامعه شوروی بمثابه اوج کمال آن بسنده نکنیم و آنچه را حاصل نموده ایم ماورای واقعیت قرار ندهیم. باید نیروی تمام علوم اجتماعی را در جهت طرح و تدوین اسلوب های سازنده ووسایل دسترسی به نزدیکترین اهداف و مقاصد دور نمایی تمرکز دهیم.

پژوهش عوامل سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی نیز اهمیت بسیار دارد. مسلم است که‌طرز دید خوشبینانه به آینده بشریت که ازممیزات کمونستها به شمار می‌آیدنمی تواند بردرك ساده ومستقیم‌الخط پیشرفت تاریخی‌استوار باشد.

این امر ما را متعهد میسازد تا تناسب نیرو های طبقاتی را در عرصه جهانی همواره و بدرستی درك کنیم و تاثیر آنها رابر حل مسئله عمده روزگار ما یعنی‌مسئله جنگ وصلح در نظر گرفته‌و پیش بینی نمایم. باید روند های اجتماعی _ سیاسی در کشور های سوسیالیستی وطرق نیرو مند سازی همه جانبه اردوگاه سوسیالیستی تازه ترین خصوصیات‌سرمایه داری دولتی انحصاری ونبرد طبقاتی پرولتاریا ویژه گی های جنبش جهانی کمونیستی و کارگری تکامل کشور های دارای سمتگیری سوسیا _ لیستی و همچنان مسایل جهانی معاصر را عمیقاً تحلیل کرد.

به نظر من شمارش تمام مسایل مشخص در اینجا ضرور نیست که خواهان توجه دانشمندان است‌مسئله را به نحوی‌جامعتر مطرح میسازیم: اگر جانب اصولی مسئله را در نظر گیریم در آنصورت پژوهش های عرصه علم الاجتماع را درچه جهاتی بایستی دید؟

نخست اینکه آنان‌بایستی واقعیتی رابا تمام جهات مثبت و منفی آن اساس کار خویش قرار دهند که وجود خارجی دارد و قوانین عینی تکامل جامعه رابه نحوی کاملتر عیان سازند.

چنان که میدانید مسئله تضاد به مثابه نیروی محرکه تکامل جامعه برای تیوری و پراتیك ارزش چشمگیر دارد. این مسئله در کار برد به دوره گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم به خوبی بررسی شده است. امروز مطالعه همه جانبه تضاد های آشتی پذیر دوران سوسیالیزم پیشرفته وویژگی های حل آنها در شرایط یکانگی رو به استحکام اجتماعی _ سیاسی و ارمانی جامعه شوروی _ به مثابه خواست زمان مطرح میگردد. دربن جاهم چنان‌که درهرارگانیزم اجتماعی، نبرد‌با کهنه جریان دارد، در کنار گرایش های خلاقانه تمایلات منفی نیز عمل میکنند.

بطور مثال محل گرایی واداره گرایی، دیوان سالاری و محافظه کاری‌را نام‌میبریم باید علل این پدیده ها وپدیده های مشابه‌را در یابیم‌ووسایل رفع آنها راپیدا نمایم.

دو، دیگر اینکه‌موسسات علمی باید سرعت عمل و انعطاف بیشتر داشته باشند زندگی بر اساس نقشه یك بار طرح‌شده، تکامل نمی یابد و چرخش های غیر منتظره حوادث اتفاق می افتد، مسایل به همان سان غیر منتظره نیز پدید می آید. و باید توانایی آنرا داشت که نیرو های علمی را به هنگام روی آنها تمرکز داد.

سوم اینکه: مناظره درمورد قوانین و مقوله های علوم‌باتمام اهمیت آنها نبایستی خصلت اسکولاستیك و اجباری داشته باشد. حزب امید وار است که‌در نتیجه تحقیقات علمی رهنمود های عملی اثر بخش در پی داشته باشند.

چهارم اینکه، کار مندان علمی بایستی با آینده نگری بیشتر گرایش های رشدیابنده را «دریابنده». منظورم‌ازپیش بینی اطمینان بخشی است که به مدد آن‌بتوان‌سپیده دم فردا را بهتر دید و تصامیم مدلل اتخاذ کرد. و عمده ترازهمه_ علوم اجتماعی مکلف اند بطور انعطاف ناپذیر ازتیوری انقلابی پیروی کنند و متودولوژی مارکسیستی _لنینستی راکه از آزمون بدر آمده در پژوهش های علمی با مهارت به‌کار گیرند البته فاکت های جدید میتوانند به تکمیل و تدقیق نظرات‌موجود منتج گردند. اما حقایق غیر قابل تجدید نظر ومسایل وجود دارند که‌مدت ها قبل‌حل شده و مفهوم می باشند. نمی‌توان در زمینه علوم کار_ کرد ولی اصول بنیادی «دیالکتیك ماتریالیستی» را بدست فراموشی سپرد.

به سختی میتوان آن‌نظراتی را علمی شناخت که بطورمثال خصلت های انسانی چون صداقت، شهامت‌وانضباط را ناشی از عوامل «مثبت» ارثی میدانند و عملا این نکته رانفی میکنند که خصایل پیش گفته از محیط اجتماعی مایه میگیرد. اخر از مدت ها قبل اشکار است که تلاش در جهت تطبیق مکانیکی‌مفاهیم واسلوب های علوم اجتماعی و تخنیکی در عرصه پدیده های اجتماعی و همچنان تفسیر سطحی مناسبات متقابل میان طبیعت و جامعه آنقدرکم ثمراست که‌در واقعیت امر به تحکیم همکاری مثمر این علوم‌باجامعه شناسی زیان وارد میکند. انتقادعلمی درست سازمان یافته، نقش مهمی رادر رفع نظرات آشتباه آمیز ازاین قبیل بازی میکند.

زدن «برچسپ های» ایدیولوژیك در عرصه مناظرات تیوریك البته مجاز نیست‌اما این نکته به هیچ وجه ارزیابی نامطبوع و علنی آن آثاری‌را نفی‌نمیکند که سزاوارآن اند. دقت‌جهان‌نگرانه واگربخواهید انظباط میتودولوژیك اندیشه شرط حتمی تکامل پیروزمندانه علوم اجتماعی میباشد. در عرصه علم کشور ما ده‌ها هزار انسان کار دوست وسر سپرده حزب و مردم مشغول کاراند. آنان نیروی بزرگی هستند. حزب اطمینان دارد که دانشمندان‌شوروی درآینده نیز تمامی دانش واستعداد خویش رادر خدمت میهن سوسیالیستی مان به کار خواهند انداخت.

رفقا! اندیشه کامل سازی سوسیالیزم پیش رفته باید نه تنها در کار تیوریتیك، بلکه در تمام فعالیت تبلیغاتی‌و پرورشی اساس قرار داده شود.

چرا لازم است توجه ویژه را به این امر معطوف سازیم مقدم بر همه به این علت که چنانکه میدانید تصور سهل آنگارانه یی پیرامون طرق و معیار گزار به مرحلهٔ عالیتر کمونیزم در مرحله معین وجود داشت. برخی‌ازنظریه پردازان ومبلغین ضمن به شتاب انگیختن ارزوی ما انگار ناهمواری های‌راه را که درآن‌طی طریق میکنیم هموار میساختند واز شرایط واقعی زندگی‌جدا میماندند. در حالیکه بدون رفع کامل‌وآگاهانه ای «خلای» موجود میان تبلیغ و واقعیت به دسترسی به وحدت کلام و عمل امکان ناپذیر است. و اما مهمترین منبع نیروی مادر همین وحدت نهفته است.

مادر امر دسترسی به هدف که هیچکسی و هیچ گاهی به جز کمونیست ها در برابر قرار ندادند یعنی تشکل شخصیت از لحاظآرمانی‌باورمند، متکامل، موزون و از لحاظ معنوی شخصیت‌پرغنای که زندگی را براساس‌قوانین عدالت اجتماعی و خرد، نیکی و زیبائی برپا میدارد. به پیروزیهای بسیاری رسیدیم. مگر دلیلی برای تسکین خود ما وجود ندارد. زیرا به تناسب حرکت ما به پیش نه تنها امکانات برای رشد همه جانبه شخصیت، بلکه مطالبات جامعه ازاو نیز فزونی میگیرد.

در عین حال حزب پرورش احساس ضرورت به کارودرك روشن لزوم کار صادقانه به سود همگان را در هر فرد مهمترین وظیفه میداند. هم اقبال اجتماعی و هم رفاه‌مادی انسان بایدمقدم‌بر همه‌بوسیله چگونگی کاروی تعیین گردد. درین جا تنها جنبهٔ اقتصادی اهمیت ندارد. جنبه آرمانی _ اخلاقی درین زمینه از اهمیت کمتر بر خوردار نیست. زیرا در کار، انسان نه تنها ارزش های مادی می آفریند، بلکه بهترین استعداد هایش را از بند رها میسازد، اراده اش را آبدیده می گرداند، نیروی خلاق خویش‌راتکامل می‌بخشد وشخصیت خود را به مثابهٔ شهروند و سازنده فعال کمونیزم تثبیت مینماید.

برخورد صادقانه و آگاهانه نسبت به کار، پایهٔ نخستین شیوهٔ سوسیالیستی زندگی است. اما آیااین طرز برخورد برای همگان خصلت نما است؟ متاسفانه خیر.

بهبود سازماندهی وتحکیم انضباط کار در تمام حلقه هاو سطوح از کارگر و دهقان شامل موسسهٔ تعاونی زراعتی گرفته تا وزیر، رعایت جدی تعهدات مبنی بر موافقات در زمینهٔ تحویلدهی محصولات چنانکه کمیته مرکزی خواهان آنست. ذخیره واقعی اعتلای اقتصاد به شمار میرود.

استفاده ازاین‌نیروی ذخیره چنانکه می بینیم بدون مصرف خاص نتیجهٔ مادی چشمگیری ببار خواهد آورد. اقداماتیکه از سوی حزب در جهت تحکیم جهات کار و نظم اتخاذ شد، نشان داد که:

در مدت زمان نسبتا کوتاه دسترسی به‌پیشروی محسوس در زمینهٔ رفع فاکت های بی بند و باری و برخورد غیر مسوولانه‌بخشی‌از مردم نسبت به مکلفیت های وظیفوی، توفیق حاصل شد. این تلاش ها از سوی مردم با احساس رضایت استقبال شد.

به طور مثال این است آنچه ولادیمیر گیریگور ویچ کوماروف، قهرمان کار سوسیالیستی و کارگر فابریکه‌ماشین سازی ارجونی کیدزه به آدرس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحادشوروی ارسال داشته است:

«من دفعتا و ناگهان به نگارش این نامه پرداختم. علت نگارش این نامه دیدار گرم شما با کارگران‌فابریکه مابود. من‌به مثابهٔ کارگر حرفوی و سابقه دار جنگ حوادث فراوان راازسر گذاشتا نده‌ام به شرافتم سوگند روحم ازآن همه چیز های انجام یافته شاد میشود. دگرگونی های نیك واقعا عظیم اند. امااین دگرگونی ها میتوانستند چشمگیر تر باشند. اکثریت، صادقانه وبه فرمان وجدان کارگری زحمت میکشد. وبه او می نگری، می‌بینی که کار میکنند اما چگونه؟ وقت گذرانی میکنند ودر عوض‌در روزمعاش درصف نخستین قرار میگیرند وشکایت ایشان بالا است که محاسبه خست به خرج داده است.

یعنی که این انسان وجدان اش راگم کرده‌است. میخواهد چیزی کمی‌عرضه‌کندودر عوض بیشتر بستاند، و اما ازکی بستاند؟ از دولت یعنی‌ازما. خط مشی کمیته مرکزی حزب مادر جهت تحکیم‌انضباط و سازماندهی کار اگر به زبان استعاره سخن بگویم آن چوکات ایست که تمام‌ماشین بر آن نصب میشود. هم‌بازده کار، هم کیفیت محصول ودر آخرین تحلیل تمام سطح‌حیات ما براین پایه استوار است.

از صمیم قلب میگویم: خط مشی حزب بطور کامل و همه جانبه با اندیشه هاواحساسات ما همآهنگ است. این خط مشی کارگری ماست.»

رفقا من مطمین ام که هر زحمتکش راستین در پای این برنامه امضاء خواهد کرد.

تحکیم‌انضباط، جنبش‌کوتاه مدت نبوده، بلکه کار شاق‌هر روزه است و پیروزی نیز هنگامی تامین میگردد که نه‌ تنها اداره، بلکه جمیع زحمت‌کشان مستقیما دراین جنبش سهم بگیرند و زمانیکه این جنبش بر تجربه، آگاهی و تحریك میهنی توده ها متکی باشد. انضباط ونظم جوانب‌ناگسستنی‌دموکراسی سوسیالیستی را میسازند که به‌مردم ما امکانات گستردهٔ رهبری دولت و جامعه‌رامید هد. حزب در سیمای‌رشد و تعمیق‌بیشتر دموکراسی وسیله نیرومند واثر بخش پرورش کمونیستی زحمتکشان و تشکل انسان نوین میباشد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هر آنچه را که زادهٔ ابتکار مردم است بادقت مطالعه میکند، تکامل دموکراسی در گوناگون ترین عرصه‌های‌حیات اجتماعی ودر آن میان در عرصه تولید را بطور همه‌جانبه‌تشویق مینماید.

بطور مثال سازماندهی کار گروه براساس دستمزد یگانه، به مثابه شکلی از اداره سوسیالیستی واقعی خود بر خود، عرض اندام کرده است. تجربه موسسات مسکو کالوگه، دینپرو پتروف، سوردلوف، و دیگر شهر ها وهمچنان پارهٔ‌ازمناطق‌روستائی نشان میدهدکه: در موسسات که این شکل کار پذیرفته شده بارآوری و انضباط کار طبق معمول در سطح عالی‌تر قراردارد. درچنین‌شرایطی پیوند میان کار و دستمزد برای کارمندان روشنتر است. درچنین شرایطی روحیه کمك متقابل رفیقانه وتاثیر پرورش کار سوسیالیستی به شایستگی سازمان یافته و به نحو روشنتر تبارز مییابد.

رسالت کمیته های حزبی عبارت است از جستجوی پیگیر راه رشد ابتکار فرد اکارگر، ارتقاء نقش‌آن‌دراداره تولید، پرورش احساس‌مالك کامل الحقوق کشور در هر شهروند شوروی، دراین جا قانون مربوط به موسسات کارگری دریچهٔ امکانات‌نوین رامی گشاید.

تجربه حاصله موید این نکته است که: در جائیکه حقوق و امکانات گروه های کارگری به نحو کامل مورد بهره جوئی قرارمیگیرد‌نه‌تنها شاخص های تولیدی، بلکه غالبا فضای معنوی‌عالی تربوده و نقض قوانین و نظم کمتر صورت میگیرد.

رفقا!

پرورش انسان‌نوین‌از پیکار بسیار پر حرارت با میخوارگی اوباشی و مفت خواری، اختلاس ودزدی از بیت المال‌سوسیالیستی، رشوه ستانی، مالپرستی، جدایی ناپذیر است. دیدن تنها «بقایای گذشته» در شعور وکردار انسان ها، در سیمای تمام پدیده های فاسد یکه ناآرامی و اعتراض برحق زحمتکشان رابرمی انگیزد امریست‌نادرست. علل بسیاری از این «درد های کوچك» را باید در پراتیك کنونی، در محاسبات غلط این یا آن کار مندان در مسایل و دشواریهای واقعی تکامل ما ودر فعالیت ناکافی پرورشی باید جستجو نمود. ازاین رو برای رفع پدیده های منفی نه تنها تلاش های دایمی تبلیغاتی، بلکه تدابیر اقتصادی، سازمانی و حقوقی نیز لازم است.

مابایست وضع تحمل نکردن علیه تمامی برهم‌زنندگان معیار های زندگی مشترك سوسیالیستی رابدون‌نظرداشت اشخاص با بسیج افکار عامه ایجاد کنیم.

والبته که کار فعالانه‌تر و هدفمندانه تر در جهت‌تشکل نیاز های خردمندانه وعلایق شخصیت نیز لازم است.

پراتیك بارها مارا معتقد میسازد که پیروزی پرورش تنها زمانی تامین میشود که متکی بر پایه نیرومند سیاست اجتماعی_ اقتصادی باشد. این حکم کنگره ۲٦ ارزش اصولی دارد و کدر های حزبی بایستی عوامل اجتماعی _ اقتصادی را به خوبی‌بدانندکه بر رفتارو کردار انسان ها اثر می‌بخشند. و همچنان مبارزه ایدیولوژیك را باپیکار‌بخاطر انجام وظایف اقتصاد ملی و سیاسی _ اجتماعی پیوند نزدیك تر دهند.

تحلیل جو انتقادی که‌درین اواخر در کمیتهٔ مرکزی ح.ك.ا.ش نسبت به کارکمیته های ناحیوی حزبی ایرکوتسك تولا، خیمل نسکی و برخی دیگری از نواحی معطوف‌بود، نشان داد که یکی از عوامل عمدهٔ پسمانی این نواحی در تکامل اقتصادی، در کم‌بها دادن به کارآرمانی و پرورشی درموسسات کارگری، آشتباه در گزینش، انتصاب وپرورش کادر ها نهفته است. جای تردید نیست که فعالیت ایدیولوژیك قادر به حل مسایل اقتصادی و اجتماعی نیست.

مگر تنها لازم نیست که دستاورد های حاصله را منوط و مربوطبه فعالیت ایدیولوژیك بسازیم ودر زمینه نارسائی های موجود آنرا مورد لعن وطعن قرار دهیم. تنها درهم آمیختن کار آرمانی وپرورشی باکار سیاسی، سازمانی و اقتصادی میتواند اثر لازم ببخشد.

رهبران حزبی و اقتصادی بایستی این نکته راهمیشه در نظر داشته باشند.

آنچه گفته شد باهر بخش فعالیت ماو هر رشته‌اقتصادی ارتباطمیگیرد. ضرورت برخورد جامعه نسبت به مسایل‌پدید آینده در روستاء یعنی‌جاییکه شرایط کاروزیست طبق معمول پیچیده تر است به خصوص آشکار است. باید کار زراعتی رابا حرارت‌بیشتر بر مبنای صنعتی قرار داد مضمون آنرا غنی‌ساخت وحیثیت آنرا بالا برد، باید روستا را تجدید حیات کردو شرایط رهایشی، فرهنگی وزیست آنجارابهبود‌بخشید. پلینوم ماه می ۱۹۸۲ کمیته‌مرکزی ح.ك.ا.ش و اجلاس ماه

(ص٦)

بقیه (ص ۵)

مسایل کارمبرم ایدیولوژیک توده‌یی ...

اپریل کمیته مرکزی در مورد مسایل کشاورزی و تحقق برنامه مواد غذایی به خصوص توجه سازمان‌های حزبی را برای این نکته مبذول میسازد. بدون حل این مسایل تحکیم وضع کلخوزها و ساوخوزها بوسیلهٔ کادرهای متخصصین وایجاد گروه ثابت کارمندان در هر موسسه دشوار است.

رفقا!

مبارزه بخاطر ارتقای سطح تولید و کیفیت‌محصول مهم ترین حلقهٔ کار ما را تشکیل میدهد. مسابقات سوسیالیستی، جنبش بخاطر برخورد کمونیستی نسبت به کار وتلاش هر گروه دانشمندان و کارشناسان بایستی معطوف به این نکته باشد.

سازماندهی تبلیغ و **پرورش چه سهمی را درین** مورد میتواند ایفا کند؟

سهم کاملا اجتماعی ومقدم بر همه تشکل فعالانه طرز نوین تفکر اقتصادی که ابتکار و کارایی سوسیالیستی، ارتقای مسوولیت، جستجوی خلاقانه طرق نیل به بهترین و آخرین نتیجهٔ اقتصاد ملی، با کمترین مصرف از اهداف آن به شمار میرود.

ما مثال‌های بسیاری از حل درست این وظایف را میدانیم. به طور مثال گروه کارگران فابریکه لیخاچوف مسکو را در نظر داریم. برای این گروه هم رشد بازده کار وهم‌بهبود کیفیت‌محصول خصلت است. این برتری چگونه بدست می آید؟

در گام نخست بدین وسیله که سازمان حزبی در کارخانه روحیه‌آفریننده‌گی و ابتکار را به نحو پیگیرانه تثبیت میکندوتحقق هرآنچه را پیشرو است در عمل کمک مینماید. نظام موزون وموثر تدارک کادرها که خارج از دیوارهای موسسه از کار در مدارس تحت قیمومیت آغاز میشود، به این امر خدمت می نماید. توجه بزرگ نسبت به پرورش کارگران جوان و گسترش شاگردپذیری صورت میگیرد. مناظره علنی و جرو بحث آشکار در زمینه پیروزی‌ها واشتباهات شرکت آمران مختلف رتبه درکار سیاسی پرورشی، آن جو اجتماعی را ایجاد می کند که درآن انسان‌ها به نیکویی کار میکنند.

اماترتیب کار درهمه جا بدینگونه نیست.

ما ناگزیریم کار بزرگ رابرای بهبود امر تبلیغ اسلوب‌های نمونهٔ کار وادارهٔ متکاثف اقتصاد به پیش بریم. زیرا توقف وجنجال آفرینی در پخش تجارب پیشرو از شمار ذخایر اقتصادی در مقیاس کشور کاملامحسوس است.

تبلیغ اقتصادی در مجموع به بررسی و بهره جویی از چنین تجربه‌ای یاری نیرو مند نمی کند.

کمیته های حزبی مکلف اند به این امر توفیق یابند که مسایلی در مرکز تبلیغ اقتصادی قرار داده شود که تحقق سیاست حزب وکار موسسات کارگری درگام نخستین منوط به‌آنهاست. شامل ساختن مسایل وشاید هم کورس‌های ارتقای سطح علمی، فنی کارگران، کارشناسان اقتصادی و متخصصین

همچنان گسترش چشمگیر بررسی تجربه پیشرو در برنامه های درسی نظام تعلیمات اقتصادی، امریست سودمند. کارایی واقعی و برخورد صرفه جویانه نسبت به دارایی مردم و استفاده از ذخایر مادی، نیروی کار ومالی بخشش ناگسستنی تفکر اقتصادی معاصر است. تدابیر ترویجی و تبلیغاتی‌درزمینه مسایل اقتصاد و صرفه جویی به کثرت اتخاذ می گردد. مگر این تدابیر در همه جا با اقدامات موثر عملی توام نیست و چنین است پیامد امر: وظایف **مربوط به صرفه جویی**، انرژی برق و برخی دیگراز منابع مادی در مجموع کشور که درسال ۱۹۸۲ تعیین شده بود تنها به‌اندازه پنجاه در صد و حتی کمتر از آن تحقق یافته اند. بطور مثال موسسات وزارت انرژی اتحاد شوروی، وزارت صنایع ماشین سازی سنگین ووزارت کودکیمیاوی درین زمینه پسمانی به‌خصوص بزرگی دارند. لازمست تا مبارزه بخاطر صرفه جویی واحتیاط متکی بر سیستم تشویق های مادی و معنوی گردد تا به امر واقعاًعام دولتی و عموم مردمی مبدل گردد.

رفقا!

جریان زندگی مسایل بسیاری را در برابر کارکنان ایدیولوژیک مطرح **میسازد. مگر تشکل جهان**‌بینی علمی و مارکسیستی ـ لنینستی بمثابه پایهٔ پرورش کمونیستی انسان ها در میان آنها ثابت بوده وباقی خواهد ماند. بخصوص این تشکل، کمونیست ها و زحمتکشان را به پیکارجویان آگاه سیاسی‌مبدل‌میگردانند **که قادر به ارزیابی مستقلانه** پدیده های اجتماعی، دریافت پیوند میان وظایف موجود واهداف غایی ما و پیشبرد مناظره مستدل با هر خصم آرمانی باشد.

وحزب توجه‌تضعیف‌ناپذیررا نسبت‌به پرورش، درک‌ضرورت به تیوری، علاقه و ذوق به این مناظره در میان کمونیست ها معطوف میدارد. سیستم آموزش حزبی مانیز برای همین منظور است. این سیستم نقش خودرا به همان اندازه بهتر انجام خواهد داد که ما دلیرانه تر از شر فورمالیزم، جزمیت و انحرافات و همچنان از اشکال کم اثر کهن آموزش رهایی یابیم به همان اندازه ویژگی های هر گروه کمونیست هارا در نظر گرفته میتوانیم. باید کار خود مان را با پیروی از مصوبه شناخته شده کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش که پس از کنگره بیست و ششم حزب بتصویب رسید به نحو پیگیرانه و استوار باز سازی کنیم.

حزب کمونیست اتحاد شوروی به میراث آرمانی کارل مارکس، ف انگلس وو. ای. لنین اهمیت درجه یک قایل است. کار عظیمی در جهت جمع آوری و نشر آثار آنها صورت گرفته‌است کار چاپ کلیات لنین‌خاتمه یافته است. چاپ دوم آثار مارکس و انگلس شامل یکنیم هزار مواد جدید به پایان رسیده است. تیراژ عمومی آثار متقدمان مارکسیزم ـ لنینیزم درسالهای استقرارحکومت‌شوروی به‌بیش از هفتصد میلیون جلد بالغ میگردد.

رفقا!

می خواهم در مورد مساله زیرین با شما مشورت نمایم. ما میخواهیم که جهان‌بینی علمی دارایی تمام مردم شوروی و هر فرد نسل نوین باشد. اما آیا کتب ومواد درسی تعلیمی در مورد اساسات تیوری انقلابی محض برای تودهٔ خوانندگان موافق به خواست لنینی از تبلیغ مارکسیزم است: حد اکثر دقت علمی و حد اقل محبوبیت عامه؟ بنظر می رسد زمانی آن فرا رسیده چنان کتبی را تهیه کنیم که در آن بیان علم فهم اصول اساسی مارکسیزم ـ لنینیزم بابیان روشن در بارهٔ راه قهرمانانه طی شده بوسیله حزب وخلق ما، پیوندارگانیک داشته باشد.

شاید با این‌امر موافق شده باشید که تشکل جهان بینی مارکسیستی ـ لنینستی‌هیچگاهی تاکنون بدینسان وابستگی نزدیک به تبلیغ باور انگیزو **ماهرانه پیرامون دست آورد** های تاریخی ماو برتری های نظام‌نو نداشته‌باشد. بایستی ارزش های سوسیالیستی نظیر روحیه‌جمعی‌و کمک‌متقابل رفیقانه، حاکمیت واقعاًتوده‌یی وانسان گرایانه، دوستی برادرانه مردمان، سلامت اخلاقی جامعه واطمینان هر فرد به سپیده دم فردا راژرفتر عیان سازیم. یوری ولادیمیر ویچ اندروپوف در مقاله‌خویش موسوم به «آموزش کارل مارکس وبرخی از مسایل ساختمان سوسیالیستی در اتحاد شوروی» تاکیدمی‌ورزد: «همه این هادر مجموع بمفهوم کیفیت از لحاظ اصولی نوین زندگی‌توده‌های زحمتکش است که‌به هیچ وجه منجر به آسایش مادی نمیگردد. بلکه طیف هستی پر شور انسانی را در بر میگیرد.»

مهم این است که در شعور انسان ها درک ارزش حقیقی دستاورد های تاریخی جامعه شوروی از نظر نیفتد تا ـ احساس غرور آفرین شهروند جهان نو، درون آدمی رانخراشد و چنانچه ولادیمیر مایکوفسکی می گفت: بدترین مرداب ها آنست که قلب وروح آدمی به آن دچار گردد. باید نیروی کبیر تهاجمی آرمانهای کمونیستی رابه خدمت اهداف پرورشی خویش بر گماریم.

ـ دو ـ

رفقا!

لنین مطبوعات راسلاح نیرو مند نفوذ آرمانی و رهبری سیاسی جامعه می دانست. تمامی تجربه‌ساختمان سوسیالیستی موید درستی این حکم است. رسانه های گروهی و تبلیغاتی وسیله اثر بخش پرورش کمونیستی و سازماندهی زحمتکشان وهمچنان وسیلهٔ تامین ایدیولوژیک سیاست خارجی وداخلی حزب و تریبون واقعاًهمگانی بشمار میرود. فعالیت این رسانه ها در روزگار ما **اثربخشی تبلیغ حزبی بر** وضع امور در بخش های دیگر جبهه ایدیولوژیک **تاحدچشمگیری را تعیین** میکند.

توجه مطبوعات مانسبت به وظایف مبرم ساختمان کمونیستی پس از کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی نیرومند تر گردید. این واقعیت که بسیاری از اندیشه هاو پیشنهاداتی که در آنها بازتاب یافته هنگام تهیه‌اسناد مهم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و شورای وزیران اتحادشوروی در نظر گرفته شده اند، مبین کارآیی و پختگی روز افزون مطالب مندرج در مطبوعات ماست. بطور مثال ازنشرات «روزنامه پراودا» پیرامون مسایل بهبود ادارهٔ حلقهٔ منطقه یی‌مجتمع زراعتی ـ صنعتی، از مطالب منتشره «ایزویستیا» پیرامون تولیدکالاهای مورد مصرف عامه و همچنان از نشرات روزنامه «ترود» پیرامون شرکت کارگران در ادارهٔ تولید یاد آوری می نماییم. وسایل اطلاعات جمعی در بارهٔ کارنامه های عظیم زمان ما چون ساختمان «بام»، انکشاف سایبیریا و‌خاور دور، اعمار خط انتقال گاز اورنگای ـ پومار ـ اوژگورد و آبیاری ساحه های عظیم و آبادانی منطقه «نی چیرنوزیمیه»، نه باسخن گزارشگران بی تفاوت‌بلکه به مثابه مبلغین وسازماندهندگان فعال به نشرات پرداختند.

پراتیک غنی مطبوعات ما این باور را می آفریند که کار آن تنها زمانی موثراست که نسبت به جهات عمده فعالیت خلاقانه مردم عطف توجه صورت گیرد و زمانیکه مسایل مهم روزمره مطرح میگردند، خود زحمتکشان به‌بحث و داوری پیرامون آنها جلب میشوند. نامه های خوانندگان، بینندگان تلویزیون و شنوندگان رادیو و مکاتبات و گزارش های خبرنگاران محیط کارگری و دهقانی فشار سنج دقیق افکار عامه،منبع سرشار اندیشه، تجربه‌و ابتکار توده ها اند.و هیات های تحریر بایستی از آن به‌نوع کامل بهره گیرند. کمیته های حزبی به نوبه خویش مکلف اند تا هرتظاهر جدی بازتاب زنده یابد و تکانهٔ محرک برای بهبود امور و دسترسی به حدود نوین مبدل گردد.

ارتقای سطح فرهنگی و آموزشی مردم شوروی مطالبات جدیدی‌را ازمطبوعات، رادیوو تلویزیون به میان می آورد. نامه های از زحمتکشان به کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی وادارهٔ های روزنامه هاو مجلات میرسد که بیانگر عدم رضایت خاطر آنان از مضمون، زبان، وسبک برخی از نشرات وبرنامه‌ها میباشد. یکنواختی گزارش ها و تبصره هاوهمچنان آن‌سر مقاله هایی آماج‌انتقاد قرار میگیرند که در آنها نه تصمیم های ژرف اندیشانه ونه اندیشهٔ تازه یافت می شود، طعنه های عادلانه در زمینه تحرک ناکافی وضعف اطلاعاتی برنامه های رادیویی و تلویزیونی زده میشود.

هیات های تحریر مکلف اند به صورت پیگیر خودشان را از شر این نارسایی ها رهایی بخشند. هر نشریه و هر مطلبی بایستی مردم را بوسیله آرمان نفوذدرحیات، اصولیت برندگی اندیشه ودرخشش سبک جلب کند وباورمند سازد.

ساختار روزنامه ها و مجلات موقوت به بهبود نیاز مند است. تقاضا برای برخی از نشرات برای کودکان، نوجوانان و دیگر گروه های جامعه بقدر کفایت ارضا نمیگردد. در عین زمان نشرات کاملا اداره یی و به خصوص مجلات کم‌نیستند. گرچه صریحاً بگوییم ارزش برخی از آنها کوچک است.

میخواهم با شما پیرامون مسایل کاملا محسوس مطبوعات شهری وناحیوی بحث نماییم. این تقریباً نصف از جراید و روزنامه ها را در بر گرفته و آنهاکار بزرگی را انجام میدهند. لاکن اکثریت این جراید غالباً سعی مینمایند تا روزنامه های مرکزی و منطقوی‌را کاپی نمایند. این عمل در مجموع رضایت خاطر خوانندگان رافراهم نمی سازد. در حال حاضرمردم بهتر میدانند که در ایسلند ویا آن کشور یکه درفراسوی ابرها واقع میباشد، چه میگذرد. در حالیکه‌در مورد حوادث شهر و منطقه خود اصلا اطلاع ندارند. باید به تجارب برخی از آنها با در نظر داشت شرایط کار و تقاضای خوانندگان تناوب وحجم صفحات خودرا البته‌در چوکات نورم تثبیت شده تغییر میدهند، بذل توجه کرد.

تلاش عمده هیات تحریر باید در جهت روشنی‌انداختن بالای زندگی محلی معطوف گردد. این کار بایدبربنیاد اساسی وسطح عالی حرفوی انجام گردد.

انستیتوت سراسری شوروی به‌ارتقاء سطح متخصص کارمندان‌مطبوعات وبدون تردید به‌حل امثال دیگر سرتاسر ژورنالیزم کمک‌خواهد کرد.

این مساله تا حدود زیاد منوط به رهبری مطبوعات محلی از سوی کمیته های حزبی است متاسفانه گاه گاه افراط و تفریط درین مساله به مشاهده میرسد. کمیته های حزبی شهری و ناحیوی انگار بعضاً روزنامه های خودرا فراموش کرده و برعکس ابتکار آنهارا با قیمومت خرده گیرانه به‌بند میکشند. واما گاه گاهی برای مدت طولانی مدیرهای مسوول از وظایف شان دور ساخته شده و به آنها وظایف مختلف اقتصادی، محول میشود. جرایدو روزنامه های شهری وناحیوی به مسایل دیگری‌نیز دچار اند: هم کدرهای متخصص که کفایت نمی کندو هم سطح طباعتی آنهانازل است. آشکار است که وقت آن‌فرا رسیده تا در کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مسایل انکشاف مطبوعات محلی بخصوص بررسی گردد.

خصوصیت های نظیر علمیت، حقانیت‌وواقعگرایی مقدم بر همه تعیین کننده کارایی تبلیغات اند. آنها به مواد انتقادی ونشرات‌در بارهٔ پیروزی های ما ضرورت دارند. آیا این پیروزی هابه اثبات‌رسیده اند؟ چگونه میتوان آنهارا بیشتر گسترده ساخت. لنین مساله را بدینسان مطرح میساخت. تذکار این نکته برای آن ضرور است

تاگزارشگویان نفس تازه برنکشند. بسیاری روزنامه های ما را در آغاز سال در نظر گیرید، چقدر اظهار اطمینان ها در مورد اجرای بیش از پلان نشر میشود. هنگامیکه لحظهٔ نتیجه گیری فرا می رسد، درینجاست‌که حرفی از دهن شان بیرون‌نمی توان کشید، برخی دیگر چنان گزارش های تهیه می کنند که به نظر نخست باید فورا بدریافت مدال نایل گردند با وجودی‌که وظایف پلان انجام نیافته است. در چنین حالاتی ژورنالیست ها آنچنان که میگویند باید با شهامت و کارآگاهی بیشتر از منافع دولت دفاع نمایند.

البته انتقاد در روزنامه‌ها سلاح برنده است بایدطرق استفاده از آن را درک کردو نباید از موضع اصولیت و عینیت انحراف نمود. برای مابیانات انتقادی حادثه سرشار از هیجان نه بوده بلکه اشاره‌یی ایست که یگانه هدف آن رفع نارسایی هاست.

در رابطه با انتقاد نیز مکث مینماییم. این مطلب که تلاش هایی در جهت ایجاد مزاحمت برای ابراز انتقاد یا «تسکین» هیات های تحریر روزنامه ها با ارایه مطالب تشریفاتی صورت میگیرد برای ما رازی نیست. ما با فکت های پیگرد انتقاد ها نیز مواجه میشویم و در عین حال در فکرت خطور میکند: حالت تحت فشار قرار دادن انتقاد در صورتیکه ارگان های حزبی وشوروی‌از مسوولین قضیه به صورت کامل باز پرسی میکردند امکان ناپذیر می بود.

تاثیر عمده را درپرورش توده ها، مطبوعات از طریق تبلیغ تجارب پیشروونمونه وی در تمام عرصه های‌حیات وارد می نماید و برای ترسیم اثربخش سیمای معاصرما یعنی انسان زحمتکش و مظهر تمام خصایص عالی، آرمانی و اخلاقی امکانات گسترده یی را در اختیار دارد. ما به نمونه های روشن قهرمانان پلان پنجساله نیاز داریم: کارگران، کلخوزیان، متخصصین، فلم های تلویزیونی نظیر «خراد» در بارهٔ کارگر مبتکر لنینگرادی ی.ن ماریاکوف ویا «ایگر ایوانوویچ». آمر برجستهٔ معدنچیان ای. ی. درزدیسکی، بایستی در بارهٔ یک تعداد فلم های تلویزیونی مهم در بارهٔ انسان های برازندهٔ کشوربه خاطر تربیه نسل های جدید کارگران کشور یاد آور شد.

بینندگان تلویزیون‌در انتظار فلم های هنری با ذوق وبرنامه های سر گرم کننده اند. واضح است‌جالب ساختن هر برنامه از نظر **محتوی کارساده یی نیست** اما راه دیگر عاقلانه و دلخواه برای بیننده وجود ندارد.

رفقا!

تشکل و اعتلای نیاز مندی های معنوی انسان‌برسیمای سیاسی، آرمانی و اخلاقی انسان اثر فعالانه دارد. این امر رسالت مهم فرهنگ سوسیالیستی است. این امر تعیین کننده حدود مسوولیت هنر مند است. هنرمند یکه حزب استعدادش را بنحو عالی ارزیابی کرده است و در سیمای اوپرارزش ترین دستاورد جامعه را می بیند. رادمردان عرصه ادب موسیقی، نقاشی، کارمندان تیاتر وسینما که فرهنگ کبیر چندین ملیتی میهن مارا فعالانه تکامل می بخشند، سزاوار شایسته ترین‌کلمات سپاس اند بسیاری از آثار سال های اخیر برای میلیون ها انسان به همسفران مهربان در مسیر زندگی شان مبدل گشته اند. و در رابطه با این کارکثیرالوجوه اتحادیه های هنری مادرجهت تحکیم‌پیوند ادبیات و هنر پراتیک ساختمان سوسیالیستی بدون تردید اثر شگرف دارد.

موضعگیری میهنی هنر مند اساس آفرینش اورا تشکیل داده ومیدهد. تنهابرخورد حزبی به درک گرایش های عمدهٔ معاصر یاری‌میرساند. استعداد واقعی خودراازرنده‌گی مجزا نمیسازد و آرایش غلیظ واقعیت را مجاز ندانسته و به پنهان کاری پدیده های تیره رنگ تن نمی دهد.

مگر چرا گناه هارا باید پنهان کنیم. به گونهٔ دیگر هم ممکن است گاه گاه تنها سرنوشت های نافرجام، نابسامانی های زندگی و سیماهای همواره شاکی‌و سست عنصر در پردهٔ سینما ویا از خامهٔ برخی‌از نویسندگان روی‌صحنه می آیند.

واما انسان بخصوص انسان جوان نیاز مند آرمانی است که مظهر شریفانه بودن اهداف‌زندگی ونیاز مند اعتقاد اندیشه یی، کار دوستی و مردانگی‌است. همچو قهرمانی را نباید از ذهن خود ساخت آنها در کنار ما هستند.

اینکه در برخی از آثار ازواقعیت های تاریخی عدول صورت میگیرد نگرانی بر انگیز است...

ما باحالاتی مواجه می شویم که نویسنده یا درقبال مسایل مغلق خودرا گم می کند یا با تفسیر «غیر معیاری» راه فرار می جوید و در نتیجه واقعیت زندگی‌مادچارتهدید می گردد. اگر در جمع گروه کارمندان مجلات و موسسات نشراتی حقایق حاکی‌از بی اصولیتی، آشتی طلبی و هیجانات ذهنی گرایانه قاطعانه مورد تردید قرار میگرفت‌در آن صورت میتوانستیم از چنین پدیده ها احتراز کنیم.

آنچه گفته آمد تا حد کامل‌در مورد پی ریزی برنامه های تیاتر و سینما صدق میکند.

«بقیه در شماره آینده»

اخبار خارجی ، واقعیت ها ، حوادث

همبستگی با کارگران چیلی

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری همبستگی خویش **را با کارگران چیلی بمناسبت** روز ملی اعتراض تنها برعلیه **سیاست ضدمردمی رژیم نظامی** و فاشیستی پنوچت اعلام **داشته است .**

گزارش می افزاید دربیانیه **که در پراگ به نشر رسیده** تاکید گردیده که خونریزی **نتوانسته و نخواهد توانست** مبارزات قهرمانانه کارگران **چیلی را بر علیه** رژیم فاشیستی آن کشور **که نه تنها آنها رااز آزادی** محروم نموده بلکه بخواسته **های شان در مورد ضروریات** اساسی پا میگذارد به شکست **مواجه سازد .**

دربیانیه اشاره گردیده که **فدراسیون جهانی اتحادیه‌های** کارگری به نمایندگی از **دو صدو شش ملیون کارگر** همبستگی همه جانبه خویش **رابا کارگران چیلی اعلام** میدارد واین فدراسیون همیشه **حامی آنها در مبارزات شان** بخاطر آزادی و دموکراسی در **چیلی میباشد .**

(ب)

دستگیری محصلین در پاکستان

تصادمات شدیدی **میان محصلین پوهنتون حیدر-** آبادپاکستان وپولیس رژیم **نظامی آنکشور رخداد که در** اثر آن سه نفر از پولیس **شدیداً مجروح گردیده‌اند .**

قرار گزارشات رسیده از **اسلام آباد پولیس رژیم نظامی** پاکستان یکصدوبیست محصل **پوهنتون حیدر آباد رادستگیر** نموده است .به گفته مقامات **شهر حیدر آباد تصادمات** هنگامی رخ داد که پولیس از **اشغال دفتر پولیس دانشگاه** فنی توسط محصلین جلوگیری **نمود . از سوی دیگر شصت** و هفت محصل پوهنتون حقوق **شهر لاهورمرکزایالت پنجاب** **پاکستان به اتهام‌تصادماتیکه** **در جریان برگزاری امتحانات** اخیر سال روی داده از پو - **هنتون‌اخراج گردیده‌اند .**

(ب)

بیکاری در استرالیا

در آسترالیا علاوه از اینکه **بصورت رسمی هفتصد** هزار نفر بیکار در لست ثبت شده اند تعداد زیاد بیکار انیکه هنوز درج لست نمی باشند وجود دارند که در پی یافتن کار میباشند .

قرار معلوماتی که‌پریروز از طرف دفتر احصائیه **استرالیا به نشر رسیده** تعداد بیکارانی که تا کنون قیدحسابت نمی باشند بالغ به یک ملیون و چهار صد **هزار نفرند که‌تقریبا دهم‌حصه** نفوس کشور را تشکیل وپنجم حصه نیروی تمام کارگران استرالیا را در بر **میگیرد .**

گزارش می افزاید که نسبت خرابی و ضعف اقتصاد کشور قسماً کارگران حق یافتن کار مناسب رابرای خویش از دست داده اند .

حمایت ازداعیه حفظ صلح

رابرت موگابی صدراعظم زیمبابوی از اتخاذ تدابیر **موثر حفظ صلح حمایت‌نمود .**

وی ضمن خطاب به ششمین **کنفرانس سازمان ملل متحد** برای تجارت وانکشاف ، **انکتاد ، در بلگراد گفت که** ضروریست تا تمام مساعی **برای استفاده از منابع غنی** بشری به مقاصد صلح آمیز **وسازنده بکار افتد .**

رابرت‌موگابی مجدداً تاکید **ورزید که زیمبابوی‌از تمام** ابتکارات برای دیتانت حمایت **نموده‌است .**

صدراعظم‌زیمبابوی سیاست **نژاد پرستانه پریتوریا را** نکوهش نموده وروی ضرورت **مساعی نیرومند برای آزادی** مردمان افریقای جنوبی نامیبیا وفلسطین تاکیدورزید . (ب)

توطئه جنگی واشنگتن علیه نیکاراگوا

دانیل اورتیکا عضو رهبری ملی جبهه رهایی بخش ملی ساندنیست‌وانسجام دهنده شورای رهبری حکومت احیای‌مجدد ملی نیکاراگوا گفته است که تصمیم واشنگتن‌مبنی بر ارسال یکصدوبیست مشاور نظامی امریکا به‌هاندوراس باعواقب وخیم همراه میباشد .

وی ضمن مصاحبه باآژانس یو. پی. ای تاکید نمود که آغاز مقابله میان نیکاراگوا و هاندوراس به‌یک حقیقت جدی مبدل شده است .

دانیل اورتیکاگفت تشدیدوخامت **اوضاع با موجودیت** مشاورین نظامی امریکا درهاندوراس که اجیران ضد انقلابی را برای فعالیت های‌تجاوز کارانه تازه علیه نیکاراگوا تربیه مینمایند افزایش خواهد یافت .

وی‌گفت واشنگتن برای‌عملیات نظامی خویش علیه حکومت ساندنیست‌ازدسته‌های سوموزا که در قلمرو هاندوراس خزیده اند‌استفاده‌مینماید .

نامبرده افزود سترا تیژیست های امریکا برای‌کشانیدن رژیم هاندوراس در یک‌جنگ تلاش می ورزند .

رهبرنیکاراگوا تاکیدنمودکه در سومین تجاوز علیه نیکاراگوا عساکر ایالات‌متحده امریکا برای سهم گیری در عملیات جنگی‌علیه نیکاراگوا اشتراک مینمایند .

رد تلاش‌های فرانسه علیه پولند

نطاق حکومت پولندگفته است حکومت پولند تلاش های فرانسه را که بخاطر مداخله‌در امور داخلی جمهوری مردم پولند صورت میگیرد شدیدا ردنموده است.

نطاق حکومت پولند در ارتباط به بیانیه اخیر وزیر خارجه فرانسه که‌درپارلمان آنکشور ایراد نمود ،بیانیه‌یی به‌نشر سپرده و در آن‌متذکر شده این قابل تعجب است‌که حکومت فرانسه بطور فعالانه از سیاست تجاوز کارانه حکومت امریکا در سراسر پولند حمایت مینماید که این خود لطمه یی را به روابط فرانسه و پولند وارد می سازد .

(ب)

کار داوطلبانه‌به نفع جامعه یکی از مظاهر بارز کرکتر انسان آگاه دوران ماست.

عکس صحنه ازینگونه‌کار ها را در یوگوسلاویا نشان میدهد .



تبصره
کنفرانس موفقیت آمیز سازمان وحدت افریقا

نزدهمین کنفرانس سران دول یا حکومات کشور های عضو سازمان وحدت افریقا از تاریخ ۸ الی ۱۲- جون ۱۹۸۳ در ادیس ابابا ، شهریکه بیست سال قبل بتاریخ ۲۵ می ۱۹۶۳ سازمان وحدت افریقا درآنجا تاسیس گردیده است بر گزار شد .

مساعی کشور های عضو سازمان بمنظور تدویرنزدهمین کنفرانس سران در سال گذشته که باید در تریپولی دایر میگردید در اثر تلاشها و مداخلات امپریالیزم در امور داخلی کشور های افریقایی و ایجاد اختلاف نظر بین بعضی از رهبران سازمان تحقق نیافت و کنفرانس به تعویق افتاد .

پنجاه و یک کشور عضو سازمان وحدت افریقا درجریان هفتمین کنفرانس سران دول یا حکومات کشور های عضو جنبش عدم انسلاک منعقده دهلی نو راجع به وقت و محل تدویر کنفرانس سران به توافق رسیده فیصله نمودند تا کنفرانس از ۶ الی ۱۱ جون در ادیس ابابا دایر گردد .

جر و بحث روی موضوع نمایندگی‌چاد و مسئله اشتراک جمهوری دموکراتیک عربی‌صحرا (که‌در هجد همین کنفرانس‌سران بحیث پنجاه و یکمین عضو سازمان پذیرفته شده است) در کنفرانس مذکور دوسه روزی به درازا کشید که همزمان با توافق کشور های عضو بر مسایل فوق الذکر کنفرانس سران بتاریخ ۸ جون رسما بکار خود آغاز و بتاریخ ۱۲ جون خاتمه‌یافت .منگیستو هایلی ماریام رئیس کمسیون ساز ماندهی حزب زحمتکشان و رئیس جمهور ایتوپیا کشوریکه در صف مقدم مبارزات مردمان افریقا بخاطر صلح و امنیت در آن قاره قرار دارد بحیث رئیس سازمان وحدت افریقا انتخاب گردید .

گرچه امادگی سازمان برای دایر نمودن کنفرانس مذکور از تلاشهای مغرضانه و مداخله گرانه حلقات تجاوزگر امپریالیزم بخصوص ایالات متحده امریکا بدور نمانده بود و آنها تلاش داشتند تا بازهم مانع دایر شدن کنفرانس گردیده ووحدت کشور های عضو سازمان را برهم زنند ، ولی موفقیت کنفرانس بمثابه یک حادثه مهم تاریخی ، به افشا و تقبیح سیاست‌امپریا- لیزم و در قدم اول امپریالیزم ایالات متحده امریکا پرداخته و ضرورت وحدت و **یک پارچگی قاره افریقارا در** جهت پیکار ضد امپریالیستی شان تاکید ورزید .

امپریالیزم بیشتر در تلاش آن بود تا ریاست سازمان را شخصی بعهده گیرد که بتوانند در وجود آن پالیسی تجاوز گرانه خود را در افریقا تحمیل و تطبیق نمایند .

بر گزیدن منگیستو هایلی ماریام به حیث رئیس‌سازمان وحدت افریقا محاسبات امپر- یالیزم را نقش بر آب‌ساخت نزدهمین کنفرانس سران سازمان وحدت افریقا اشغال غیر قانونی نامیبیا را توسط رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی قاطعانه تقبیح نموده تطبیق فوری فیصله نامه های ملل متحد را در مورد اعطای استقلال به نامیبیا تقاضا کردند . کنفرانس تجاوزات اسرائیل را در قلمرو ممالک عربی تقبیح‌نموده از همه‌کشور های افریقا خواست تا به‌ایجاد پایگاه های نظامی امپریالیزم در قلمرو شان اجازه نداده ، سیاست شانرا هم آهنگ سازند و گامهای استواری در عرصه اقتصادی برای مقاومت موثر در برابر فشار و نقش غارتگرانه غول انحصارات سرمایداری در افریقابردارند.

«کمال»

جالب و خواندنی

آقایان روسای جمهور

مجلهٔ «یو. اس . نیوز ایند هرالد راپورت» مینویسد که روسای جمهور سابق‌ایالات متحدهٔ امریکا سالانه بیش از ۳۶ میلیون دالر ازخزانهٔ دولت پول میگیرند .روسای جمهور ، جیمی کارتر ریچارد نکسن و جرالد فورد سالانه هرکدام ۷۰ هزار دالر پول تقاعد اخذ مینمایند . این مبلغ یگانه مدرک در آمد روسای جمهور سابق نبوده آنها سالانه مقدار زیادی پول به خاطر حفظ ونگهداری کتابخانه های خود بدست میاورند . و نیز اشیاء و اموال قیمتی‌باتخفیف به روسای جمهور سابق بفروش میرسد . بطور مثال قالین مور افغانی که قیمت‌آن ۱۲ هزار دالر است بطور مجانی برای کارتر داده شده ونکسن به خاطر اینکه کلید سیف خود را گم کرده است ماهانه ۵۰۰ دالر از دولت بدست میاورد .

ریوکسین ها در کجا مخفی گردیدند

در روز نامه ها و جراید جمهوریت فدرال آلمان‌مطالب دلخراشی در مورد مفقودی بیرل های زهر به نشر رسیده است . این بیرل‌هادر سال ۱۹۷۶ در جریان انفجار در یکی از فابریکه های کیمیاوی شهر سیوینروی ایتالیا مفقود گردید . مقدار این زهریات در حدود ۲،۵ تن بوده و در ترکیب آن ۳۰۰ گرام ریوکسین نیز موجود است . این مواد در ۴۱ بیرل جابجا گردیده و به گمان غالب در زیر زمین توسط سارقین مخفی شده است . پولیس توانست با استفاده از پل پای تا سرحد فرانسه آنها را تعقیب نماید .ولی بعداً پولیس پل پای را گم نمود . فعلاتصورمیشود که‌این‌مواددر جمهوریت فدرال آلمان مخفی میباشد .

انکتاد ششم و مسائل مبرم اقتصادی

ششمین کنفرانس ملل متحد برای تجارت وانکشاف (انکتاد) به تاریخ ۶ جون در بلگراد دایر گردید که الی ۳۰ جون بکار خود دوام‌خواهد داد . جلسات مقدماتی آن قبلا به تاریخ ۲ و۳ جون در بلگراد انعقاد یافته بود. در انکتاد ششم ۱۶۶ کشور اشتراک نموده اند که مطابق طرز العمل کنفرانس های انکتاد به چهار گروپ جداگانه تقسیم میشوند .

- گروپ ۷۷ یا گروپ سی که مشتمل از ۱۲۵ کشورروبه انکشاف بشمول یوگوسلاویا میباشد .
- گروپ بی : یا کشور های پیشرفته سرمایه داری غربی بشمول امریکا ،کانادا آسترالیا ، زیلاند جدید و جاپان .
- گروپ دی : شامل کشور های پیشرفته سو - سیالیستی بشمول منگولیا .
- گروپ سی : چین :

همچنان یک تعداد سازمان های بین المللی نیز در این کنفرانس اشتراک نموده اند.

کشور های سوسیالیستی به منظور انکشاف تجارت خارجی و همکاری اقتصادی بین‌ممالک‌دارای سیستم های مختلف اقتصادی ، اجتماعی، در سال ۱۹۵۷ در صدد ایجاد سازمان اقتصادی بین المللی متکی بر پرنسیپ‌های همکاری و منافع متقابل‌درساحه تجارت گردیدند . این‌مفکوره مورد پشتیبانی کشور های رو به انکشاف قرار گرفت از جانب دیگر عدم توازن و فاصله روز افزون میان رشد اقتصادی وسطح زندگی مردمان کشور های‌انکشاف یافته و رو به انکشاف‌واندیشه تقلیل واز بین بردن این بی موازنگیها و ایجاد یک نظم عادلانه اقتصادی جهانی باعث گردید تا سازمان ملل متحد دهه ۶۰ را بحیث نخستین دهه انکشاف بین - المللی اعلام نماید . در این رابطه توجه خاص تمام‌کشور ها به مسایل تجارت‌وانکشاف معطوف گردید .

روی این ملحوظات شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در هفدهمین اسامبله عمومی ملل متحددرسال ۱۳۶۲ فیصله نمود تا کنفرانس‌ملل متحد برای تجارت‌و انکشاف تدویر گردد .

نظر به این فیصله اولین کنفرانس ملل متحد برای تجارت و انکشاف یا انکتاد اول در مارچ ۱۹۶۴ در ژنیو دایر شد و در دسامبر همان سال انکتاد بحیث یک سازمان رسمی و دایمی ملل متحد تاسیس گردید .

ارگان های انکتاد عبارتند از کنفرانس - که بعد از هر چهار سال دایر میگرددو در آن وزرای خارجه یا تجارت ممالک عضو اشتراک می ورزند - بورد تجارت‌وانکشاف که فعلا ۱۲۴ کشور عضویت آنرا دارند و بعد از هردوسال تشکیل جلسه میدهد - و سکرتریت انکتاد که مقرآن در ژنیو است .

انکتاد دوم درسال ۱۹۶۸ در دهلی نو ، انکتاد سوم در سال ۱۹۷۲ در سنتیاگو،انکتاد چهارم درسال ۱۹۷۶ در نایروبی و انکتاد پنجم‌درسال ۱۹۷۹ در مانیلا دایر گردید .

اهداف عمده انکتاد راعادی ساختن‌وضع‌تجارت بین‌المللی کاهش تعرفه های گمرکی و ایجاد سیستم بدون تعرفه انکشاف تجارت بین المللی و تامین رشد متوازن وعادلانه اقتصادی تشکیل میدهد .

کشور های رو به انکشاف همواره درکنفرانس های انکتاد تقاضا می نمایند تا شرایط صدور امتعه از کشور هایشان سهل گردد و امکانات مساعد تر و بیشتر برای صادرات آنها به قیمت مناسبت فراهم گردد .

در کنفرانس پنجم نیز کشور های رو به انکشاف یک سلسله پیشنهادات را درمورد بهبود وضع تجارت جهانی و مناسبات اقتصادی بین- المللی ارائه نمودند . در جریان بحث پیرامون‌پیشنهادات نظم نوین اقتصادی بین‌المللی تضاد های شدیدی بین کشور های پیشرفته سرمایه داری و کشور های رو به انکشاف ایجاد گردید کشور های سرمایه داری حتی‌آرزوی طرح و بحث روی این‌موضوع را در کنفرانس نداشتند و چنین استدلال مینمودند که اقتصاد جهانی دریک دوره‌حاد بحرانی قرار دارد و تا زمانیکه این بحران بر طرف نگردد گویا پیشنهادات نظم نوین اقتصادی معقول نیست و هم کشور های اوپک را به خاطر بلند بردن قیمت نفت عامل و مقصر بحران تلقی میکردند . در حالیکه بحران سرمایه داری نتیجه خصلت سیستم سرمایه داری و سیاست های اقتصادی و اجتماعی خود شان میباشد و دلیل‌آن شده نمیتوانند که مذاکره راجع به نظم نوین اقتصادی صورت نگیرد .

کشور های سرمایه داری از قبول تعهدات و تطبیق تصامیم کنفرانس اباورزیده و صرف گذشت و عقب نشینی هایی فوق‌العاده ناچیز وآنهم در موارد کم ارزش رابه نفع ممالک روبه‌انکشاف‌متقبل گردیدند .

کشور های سوسیالستی همیشه در کنفرانس های انکتاد سهم فعال گرفته و فیصله های آنرا صادقانه تطبیق نموده‌اند بطور مثال اتحاد شوروی مطابق فیصله انکتاد از اول جنوری ۱۹۷۵ به بعد تمام محصولات‌گمرکی را که بالای صادرات کشور های رو به انکشاف وضع میشد از بین برد از نتایج مثبت انکتاد پنجم به ابتکار کشور های سوسیالیستی یکی هم بهبود نسبی تجارت شرق و غرب بود اما دیری نگذشت که ایالات متحده امریکا غرض عدول از آن مقاطعه فروش پایپ لین گاز رابه اتحاد شوروی به میان کشیده و هم بالای فرانسه ، آلمان فدرال و انگلستان نیز جهت پیروی‌از این امر فشار آورد .

تمام کشور های جهان در گروپ های جداگانه شان آمادگی کامل برای اشتراک در کنفرانس گرفته اند .

وزیر تجارت اتحادشوروی خاطر نشان نموده است که اتحاد شوروی برای حل پرابلم مواد خام سهم فعال گرفته و به منظور تامین حاکمیت ممالک روبه انکشاف بر منافع‌طبیعی شان‌و تنظیم مجدد مارکیت جهانی موادخام مساعدت خواهد کرد . وی علاوه نموده که انکتاد ششم باید به یک کنفرانس مهم‌مبدل گردد که بتواند فرصت‌خوبی رابرای بحث‌و مذاکره روی پرابلم های مبرم و موردتوجه جهانی مهیا سازند و نتایج سود مندی رابارتباط بهبود مناسبات اقتصادی بین - المللی و عادی ساختن وضع تجارت بین المللی به ارمغان آورد .

(ک)

تجلیل از دومین سالگرد جبهه ملی پدر وطن

از دومین سالگرد تاسیس جبهه ملی پدر وطن جمهوری دموکراتیک افغانستان و سومین پلینوم شورای مرکزی جبهه ملی پدر وطن اخیرا طی میتنگ و مارش عظیم در گردیز مرکز ولایت پکتیا تجلیل بعمل آمد.

در این میتنگ که از طرف شورای ولایتی جبهه ملی پدر وطن ولایت پکتیا سازمان داده شده بود اعضای سازمان های حزبی واجتماعی نمایندگان اقوام و لایت پکتیا و صدها تن از مردم زحمتکش شهر گردیز شرکت ورزیده بودند.

در آغاز میتنگ سخنرانان پیرامون اهمیت و نقش جبهه ملی پدر وطن جمهوری دموکراتیک افغانستان مطالبی بیان نموده همکاری شانرا در تحقق اهداف والای این جبهه وعده دادند.

در اخیر شرکت کنندگان جاده های شهر گردیز را پیموده واز دومین سالگرد ایجاد جبهه ملی پدر وطن جمهوری دموکراتیک افغانستان استقبال کردند. (ب)

تدویر سیمینار اقتصادی

سیمینار اقتصادی از طرف ریاست اقتصاد وخدمات اجتماعی شورای مرکزی جبهه ملی پدر وطن جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر دیروز به اشتراک روسا و معاونین شوراها ی ولایتی، روسای شوراهای نواحی شورای شهر کابل وکار مندان ریاست اقتصاد جبهه ملی پدر وطن درتالار آن جبهه دایر شد.

در آغاز این سیمینار رئیس تشکیلات شورای مرکزی جبهه ملی پدر وطن در مورد اهمیت و پیشبردکار این سیمینار بعداً رئیس اقتصاد و خدمات اجتماعی در رابطه با بهبود کار شوراهای ولایتی با علما و روحانیون وامور اقتصادی صحبت نمود.

یك منبع مربوط گفت: این سیمینار سه روز دوام میکند و طی آن روی موضوعات اقتصادی و خدمات اجتماعی تبلیغ و ترویج و امور تشکیلاتی شوراهای ولایتی جبهه ملی پدر وطن بحث صورت میگیرد.

(ب)

آموزشگاه در زندان

سیاست مترقی وانسانی دوستانه حزب دموکراتیک خلق افغانستان در رابطه باآنعده اتباع کشور که بنابر درك نادرست از تحولات انقلابی کشور موضع خصمانه اتخاذ نموده، مرتکب اشتباهات گردیده اند، نه تحمیل مجازات جسمانی بلکه تجدید تربیت به شیوه های موثر امروزی میباشد.

مبتنی بر همین جنبه مترقی سیاست حزب است که درمحبس پلچرخی از عرصه چارسال دستگاه صناعتی به کار افتاده است. مجرمین ضد امنیت داخلی کشور که در زندان پلچرخی محبوس میباشد از طریق ایجاد ذوق کار، با پرورش استعداد آنان، آموختن مشاغل مفید، اصلاح وتهذیب اخلاق تجدید تربیت میگردند.

یك منبع قوماندانی عمومی محبس پلچرخی در توضیح این مطلب به خبر نگار حقیقت انقلاب ثور گفت:

دستگاه صناعتی محبس پلچرخی که در سال ۱۳۵۹ به منظور تربیت زندانی‌ها در رشته های صنایع دستی فلزی بعنوان کارگران ماهر ایجاد گردیده بود بر اساس بیلانس مرتبه سال ۱۳۶۱ بعداز وضع مصارف وخدمات مبلغ سه ملیون و چار صد وسی هزار و نودو هفت افغانی مفاد خالص بدست آورده است.

در دستگاه صناعتی پلچرخی که دارای شعبات حلبی سازی، نجاری، پرکاری، شعبه فلز، ولدنگ کاری رنگمالی و خیاطی، آرت و هنر میباشد دو صد و ده نفر از محبوسین در آن به کار وتولید اشتغال دارند.

مصنوعات دستگاه صناعتی شامل انواع مختلف کوچ و چوکی، چپرکت، میز های مختلف النوع کار برای دوایر وموسسات دولتی الماری، سیف، نجاری، دروازه های فلزی، کتاره، کوتبند، دریشی های ملکی و عسکری تابلو های مختلف رسامی مینا توری وشبکه کاری می باشد.

دستگاه صناعتی باسرمایه ابتدایی دو میلیون و پنجصد هزار افغانی سه سال قبل به کار انداخته شده بود، اکنون باداشتن بیش ازسی‌و چار پایه ماشین آلات مختلف النوع کمپریشن، قات نل گول، ولدنگ، اره، برمه قطع سیخ گول، شلایف رنده، قیچی آهن چادر، سیارت و ماشین‌های مختلف النوع خیاطی و پنجاه وهفت نوع افزار مختلف کاردارای سرمایه دارای سی ملیون وهشتصد وسی چار هزار و چار صدو چهل و نه افغانی میباشد.

منبع گفت: تعداد محبوسین که‌در دستگاه صناعتی محبس مصروف کار هستند بادر نظر داشت مهارت و استعداد ایشان در جه بندي وتصنیف گردیده است برمبنای آن حداقل معاش یکهزار و چار صد و پنجاه افغانی وحد اکثر سه هزار و پنجاه افغانی برای هر نفر تعیین شده‌است.

محبوسین با کار دردستگاه صناعتی دارای عاید ثابت ماهانه میگردند بادر نظرداشت اینکه تمام مایحتاج محبوسین از طرف دولت تهیه میگردد بااستفاده از معاش توانسته اند نفقه واعاشه فامیل خویش رادر خارج از محبس تامین نمایند. قابل تذکراست که در سال ۱۳۶۱ محبوسین کار گر جمعا مبلغ سه‌ملیون ونهصد ونود و هفت هزار سه صدو چهل و دو افغانی را معاش اخذ نموده‌اند.

به منظور تشویق بیشتر زندانیان به کار در دستگاه صناعتی علاوه از معاش امتیازات دیگری نیز درنظر گرفته شده است. منجمله‌در هر پانزده روز یکبار بافامیل و اقارب خویش ملاقات می نمایند.

محبوسین که در آغاز به کدام پیشه و حرفه بلدیت نداشتند طی مدت کوتاهی‌با شمولیت در دستگاه صناعتی قادر شدند رشته های‌مختلف کار را بیاموزند و پس از رهایی از زندان به حیث کارگران ماهرمیتوانند سهم خویش را در اعمار وطن ایفاء نمایند. (عادل)



کلیه نوجوانان کشور ما چون این شاگردان لیسه کوکچه فیض آباد نیاز مند و مشتاق آموزش اند.

گشایش نمایشگاه عکاسی

نمایشگاه مشترك عکاسی اتحادیه ژورنالستان ج.د.ا و آژانس اطلاعاتی باختر به‌پیشواز اسامبله جهانی صلح وزندگی علیه‌خطر جنگ‌ذروی قبل از ظهر دیروز درسالون نبناروالی کابل گشایش یافت.

درمراسم گشایش نمایشگاه که رئیس اتحادیه‌ژورنالستان ورئیس کمیته اطلاعاتی آژانس باختر اتاشه های کلتوری یکعده از سفارت خانه های کشورهای دوست مقیم کابل، وعده از اعضای اتحادیه ژورنالستان درآن شرکت داشتند ابتدا رئیس کمیته دولتی رادیوتلویزیون وسینماتو گرافی پیرامون موضوع سخنرانی نمود.

درین نمایشگاه که ۲۰۰ قطعه عکس از جنایات امپریالیزم جهانی در کشور عزیز ما ج.د.ا. ویك عده از کشور های دیگر آسیا، افریقا وامریکای لاتین به نمایش گذاشته شده است مدت ٤ روز از ساعت ۸ صبح الی ۲ بعد از ظهر بروی علاقمندان باز است. (ح.ا.ت)

ضرورت انتقال جراید ملیت ها به ولایات مربوط

نخست از همه سلام های گرم و صمیمانه ام را خدمت همه کارکنان روزنامه حقیقت انقلاب ثور تقدیم می دارم.

دولت مردمی ج.د.ا مطابق به اهداف حزب د.خ.ا و اصول اساسی ج.د.ا به‌خاطر رشد وشکوفانی زبان، ادبیات، فرهنگ و کلتور همه ملیت هادر زمره سایر اقدامات نیك و بنیادی‌وانقلابی اش به اقداماتی بی سابقه علمی، انقلابی واساسی‌دست زده است چنانکه پروگرام های نشراتی رادیو و جراید که به زبان های ملیت های برادر به نشر میرسد یک واقعیت عینی است. ولی سوال عمده برای من درین جا مطرح است که آیا ازین همه اقدامات و امکاناتی‌که حزب ودولت در این زمینه مساعد ساخته است واقعاً بطورشایدوباید، منطقی،معقول ومفید استفاده بعمل می آید یانه؟ آیا مسئله مفیدیت در مجموع مطرح است یا نه؟ و آیا جرایدی که در کابل بنشر میرسند واقعا میتوانند نیاز های خواننده گان‌خویش را مرفوع نمایند یا خیر؟...

در چنین شرایط انقلابی که جراید از یك طرف نه تنها وظیفه عملی ساختن اهداف فرهنگی رابه عهده دارند بلکه چون سلاح مثمر دفاع از دست آورد های انقلاب، تبلیغ، ترویج وآموزش اهداف‌انقلاب دربین توده های مردم و آشنا ساختن مردم به‌اهداف حزب ودولت از اهمیت به خصوص بر خوردار اند. متاسفانه که اکنون جراید ازبیکی، ترکمنی و بلوچی که در کابل به چاپ میرسد در ولایات مربوطه درشرایطی که حتما مشکلات ترانسپورتی و غیره وجود دارد ((جز بوسه به پیغام)) چیزی دیگر شده نمیتواند.

قابل تذکر میدانم که از دیدگاه من دلیل وبرهانی وجود ندارد که مانع انتقال جراید مذکور به محلات‌مربوط شان باشد درین شرایط جراید مذکور میتوانند‌درولایات مربوط خویش بهترین نقش‌را در روشن ساختن اذهان عامه داشته باشند.

بادرود های آتشین

● ● ●

دوست محترم (؟)!

امید واریم در نامه های آینده نام و آدرس خویش را فراموش نکنید، تا جاییکه مااطلاع داریم طرح انتقال ادارات نشراتی جراید ازبکی، ترکمنی وبلوچی به ولایات مربوط روی دست است، با آنهم مانامه‌شمارا نشر کردیم. پیروز باشید.

(اداره)

ورزش

مسابقات ورزشی

در مسابقات والیبال دیروز که بین تیمهای مکتب عاشقان و عارفان مقابل عنصری بلخی و امیر شیرعلی خان مقابل وزیر محمد اکبر خان، در میدان‌ورزشی مکتب وزیر محمد اکبر خان صورت گرفت در نتیجه تیم های مکاتب عنصری بلخی وامیر شیر علی خان برنده شناخته شدند.

همچنان مسابقات فتبال بین تیم های مکتب علاء الدین بمقابل عزیز افغان، عنصری بلخی مقابل احمد خان به نفع تیم علاء الدین و تیم مکتب عنصری بلخی پایان یافت.

همه‌مشکلات‌راحل خواهیم کرد

مولوی عبد الشکور موجد عضو ریاست شئون اسلامی جمهوری‌دموکراتیك افغانستان در مورد ادامه کمك های امپریالیزم امریکا به ضد انقلاب افغانی و بکار بردن آنها علیه مردم افغانستان و خسارات وارده از ناحیه آنها گفت:

امپریالیست ها ودر راس آن امپریالیزم ایالات متحده امریکا از قدیم الایام دشمن تمام مسلمانان جهان بوده و می باشد. بابه پیروزی رسیدن انقلاب ثور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن مداخله درامور کشور ما را سرعت بخشیده باند های مسلح رابا انواع سلاح ساخت امریکایی و چینایی به کشور انقلابی ما به غرض ویرانی، وحشت و آدم کشی می فرستند‌اشرار این آدمکشان حرفه ای دست به خراب کردن پلها آتش زدن مکاتب، تخریب مساجد این جایگاه مقدس و عبادتگاه مسلمانان زده، استادان معلمین و روحانیون را به‌شهادت می رسانند.

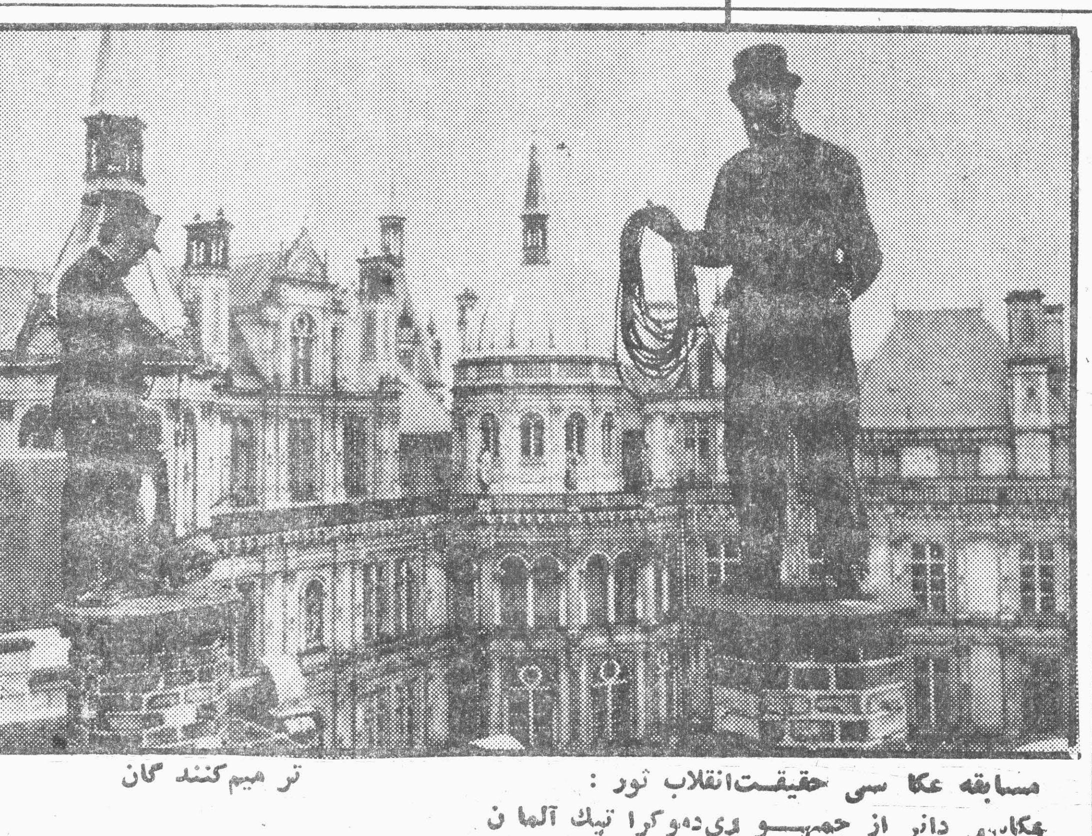
مولوی عبدالشکور به جواب سوالی در مورد تجهیز و مسلح ساختن پاکستان بحیث تخته خیز علیه کشور های منطقه چنین ابراز نظر کرد.

زمامداران نظامی پاکستان بدون در نظر گرفتن خواست های مردم آن کشور که خواستار نان لباس و مسکن اند خود را تا گلو مسلح ساخته و ازسلاح های امریکایی علیه جنبش مترقی در خود پاکستان و علیه کشوز های منطقه و به خصوص افغانستان استفاده مینمایند.

محافل امپریالیستی‌و به خصوص امپریالیزم ایالات متحده امریکا بنابر خصلت و ماهیت ضد انسانی خویش همیشه در پی غصب ثروت‌های ملی کشور های کم رشد بوده تا ماشین های غارتگری سرمایه داری را به حرکت انداخته و به چپاولگری بیشتر بپردازند.

اسرائیل به رهبری امریکا دها هزار مسلمان عرب را به شهادت می رساند و لی در افغانستان طرفدار «جدی» اسلام گردیده در شرایط جنگ‌اعلان ناشده علیه انقلاب ووطن ما قرار گرفته است و لی زحمت کشان کشور ما و بخصوص روحانیون و وطن پرست دوستان و دشمنان خویش را شناخته اند وتحت رهبری ح.د.خ.ا همه مشکلات راحل خواهند کرد.

«ن ـ ناظم»



ترمیم کنندگان

مسابقه عکاسی حقیقت انقلاب ثور: عکاسی دانر از جمهوری دموکراتیک آلمان

معلومات

تلویزیون

یکشنبه

٥ر٣٤ پروگرام دنیای جوانان

٦ر٠٠ پروگرام زراعت ومالداری

٧ر٠٠ پروگرام ویژه ماه مبارك رمضان.

٧ر٣٠ موسیقی

٨ر٥٠ فلم هنری

رادیو

یکشنبه

٧ر٠٠ صبح پیام بامدادی

٨ر٠٠ گورنی ژوند

٩ر٠٥ موسیقی

١٠ر٠٥ راه زندگی

٢ر٥ رادیو صدای مردم

٥ر٥ پروگرام دهقان

٦ر٢٦ پروگرام خاص‌ماه‌مبارك رمضان

٩ر٠٠ در راه انقلاب

١٠ر٠٥ زمزمه های شب هنگام

١١ر٠٠ رنگین کمان

دواخانه ها

درملتون های نوکریوال امشب

اسم درملتون	آدرس	تلیفون
فرید	جاده میوند	٢٤٣٨٠
نوی حیدری	میرویس میدان	٤٢٤٥٠
سلطانی	گلخانه چارذهی	
قسمت	بی‌بی مهرو	
ادریس	نوآباد دهمزنگ،	٤٠٤٤٠
تمیم	جاده میوند	٢٢٦٨٣
ستار	حصه‌دوم‌خیرخانه‌مینه	
تمیم	شهر نو	٣٢١٤٤
پروان	مقابل باغ زنانه	٣٠٥٦٥
یوسفی	شاشهید	
سخاء	محمدجان خان وات	٢٥٨١٥
صادق	تایمنی وات	٣٢٥٠٢
روغتیا	قلعه رمانخان	
میرویس	بابا پشتونستان وات	٢٠٥٨٣
شاولی	حصه‌دوم کارته پروان	

علاوه از درملتونهای فوق شعبات ٢٤ ساعته ریاست امور فارمسی (دبلخی ابن سینا در ملالی موسسه) نیز بروی همشهریان محترم‌باز است.

تیلفون

سوچبورد کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ٢٥٧٤١-٤٤

کمیته حزبی ولایت کابل ٤٢٩٤١

کمیته حزبی شهر کابل ٤٠٧٨٦

نواحی حزبی شهر کابل

ناحیه اول	٢١٨٩٢
ناحیه‌دوم	٢٢٣٧٤
ناحیه سوم	٤٢٣٥٩
ناحیه چارم	٣٠٠٧٥
ناحیه پنجم	٣٠٨٥٠
ناحیه ششم	٤١٤٠٨
ناحیه هفتم	٤١٨٥٢-٤٢٣٦٠
ناحیه هشتم	٢٢٣٥٧
ناحیه نهم	٢٤٧٦٢ - ٢٢٦٥٠
ناحیه دهم	٢٠٨٢٧-٢٣٢٢٩
ناحیه‌یازدهم	٣١٦٥٢
سازمان د.ج.ا	٢٣٤٣١
اتحادیه‌های صنفی	٢٣٠٤٠
سازمان د.ز.ا	٢١٣٩٥

حوزه های امنیتی

حوزه‌اول، پل‌باغ‌عمومی	٢٢٩٠٠
حوزه‌دوم، پشتونستان‌وات	٢٣٣٥٦
حوزه‌سوم، کارته٤	٤١٤٠٠
حوزه‌چهارم، کارته‌پروان	٣١٦٨٧
حوزه‌پنجم، خوشحال مینه	٤١٢٧١
حوزه ششم، قلعه شاده	٤٢٨٥٥
حوزه‌هفتم، گذرگاه	٤٢٦٠٠
حوزه هشتم، شاه شهید	٢٥٨٠٠
حوزه نهم شش درك	٢٥٩٠٠
حوزه دهم شیرپور	٣١٦٠٠
حوزه یازده، خیرخانه مینه	٣١٦٥١

اطفائیه عاجل - ١٣

زیر نظر هیات تحریر — مدیر مسوول: محمود بریالی

تیلفونها: سوچبورد ١٤٢١٥ ، ٢٤٣٥٥ — اداری: ٢٤٥٧٥ — صندوق پستی: ٧٨٠ — شکایات توزیع: ٢٦٨٥٩ — حساب بانکی: ١٠١٨ر٩ — قیمت یکشماره ٢ افغانی — چاپ ویب آفست مطبعه دولتی